

# بازہیاں نہیں ملے اور ماہیاں



پروین زارع شاہیری

بنام خدا

# بازیهای محلی آذربایجان

پرویز زارع شاهمرسی

---

سروشنا	زارع شاهمرسی، پرویز. - ۱۳۵۰
عنوان و پدیدآور	بازیهای محلی آذربایجان / نوشتۀ پرویز زارع شاهمرسی
مشخصات نشر	تبریز: اختر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	۱۲۰ ص، مصور، نقشه.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۱۶۰-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
موضوع	بازیها - ایران -- آذربایجان
ردیف بندی کنگره	GV ۱۲۰۴ / ۷۸ / ۲
ردیف بندی دیوبی	۷۹۶/۰۹۵۰۵۳
شماره کتابشناسی ملی	۱۱۱۴۹۴۳:

---

### نشر اختر

بازیهای محلی آذربایجان  
پرویز زارع شاهمرسی  
چاپ اول / ۱۳۸۷ / تیراژ: ۱۰۰۰ جلد / ۱۲۰ صفحه / قطع رقعي  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۱۶۰-۰

مرکز فروش: تبریز - اول خیابان آیت الله طالقانی، نشر اختر  
تلفن: ۰۴۱-۵۵۵۵۳۹۳ و ۰۹۱۴۱۱۶۶۸۹۷

قیمت: ۲۰۰۰ تومان.

## فهرست مطالب

### پیشگفتار

۱۷	آپارام وئرمە رم
۱۷	آت آت اویناماق
۱۸	آت اویناتماق
۱۸	آتدى آغاج
۱۸	آتدى توندو
۱۸	آتدىرما
۱۹	آتلاباخ
۱۹	آتلی آغاج
۱۹	آتیج
۲۰	آتیمین باشی قیزیل
۲۰	آچیل آچیل
۲۱	آدقویما
۲۲	آدشهرت
۲۲	آرادا ووردو
۲۳	آرادان چیخان
۲۳	آرادان خیرمامکو
۲۴	آرتىرما
۲۴	آسلان پیسلان
۲۴	آشىر ما
۲۴	آشيق آشيق

## ۴ / بازیهای محلی آذربایجان

۲۵	آشیق قوز
۲۵	آغاج آنما
۲۵	آغاج دوگدو
۲۶	آل آغاجی
۲۶	آلچی تاوا
۲۶	آنام منه کوردئیب
۲۶	آنا منی قوردا وثرمه
۲۷	آی فاراقوش
۲۸	آی نه قوردى قوردى
۲۸	آیاق جیزیغى
۲۸	آیاق جیزیق
۲۸	آیی اویونو
۲۹	ائششک بئلی سیندیرما
۲۹	ائششک باشى دوگمە
۲۹	ائششىگى سوواردین
۳۰	ائشمه
۳۰	ابه دن كير
۳۰	اتگە داش قويدو
۳۱	اجى
۳۱	ادى باجى
۳۱	ارمنى جیزیغى
۳۲	اززلی مزرزلی
۳۲	ال الله
۳۲	ال الله دوگمە جه له
۳۳	اليم ياندى
۳۳	اوچ دوز

## بازیهای محلی آذربایجان / ۵

۳۴	اوچدوم قوندوم
۳۴	اوچدو اوچدو
۳۴	اوخ آتدی
۳۵	اوستا شاگرد
۳۵	اوستا عابیاس
۳۵	اوستام باز
۳۵	اوروس آتدیرماسی
۳۶	اوزوک اوزوک
۳۶	اوزوک گیزلتدى
۳۶	اوزومدن سو چیخارتماق
۳۶	اولااتدى
۳۶	اون ایکى دوز
۳۷	اویدوم اویدوم
۳۷	ایپ آتدی
۳۷	ایپ کئچدی
۳۸	ایت قوسلو
۳۹	ایگە ایگە
۴۰	ایلدیریم آغاج
۴۱	اینجه له قیز
۴۲	بئش داش
۴۴	بابا وئر قیلینجى
۴۴	باشماق قویدو
۴۴	بالا بلندى
۴۵	بالا جیزیق
۴۵	بالیق مندە
۴۵	بلیخ

## ۶ / بازیهای محلی آذربایجان

۴۶	بنووشه
۴۷	بوjac توتدو
۴۷	بوزتپدی
۴۸	به یه مه گیزیر
۴۸	پول چوندرمه
۴۸	پول پول
۴۸	پولا ياخین
۴۹	پیت اویونو
۴۹	پیشتی پیشتی
۵۰	پیشدیللى
۵۰	پیشیدی
۵۰	پیشیک قاچدی
۵۱	پیشیک کئچدی
۵۱	پیشیک یولو
۵۲	پیل آغاجی
۵۲	پیل دسته
۵۵	تاس مليك
۵۶	تپیک تپیک
۵۶	تپیک دوگوش
۵۶	تکسن جوت
۵۶	تکر سورمک
۵۶	تکمه جوت
۵۷	توب توتدو
۵۷	توب چرخی
۵۷	توب عربي
۵۹	توب گتتمک

## بازیهای محلی آذربایجان ۷

۶۰	توپادان توپایا
۶۰	توكوم چیخارتماق
۶۰	تورب اوپونو
۶۱	تورنا دو گدو
۶۱	تورنا ووردو
۶۲	تولا دو گدو
۶۲	توروخان
۶۲	توللاما
۶۳	توبیوق قیزارتما
۶۴	جوچه گوزو
۶۴	جو جولو پشندیر گوگ
۶۴	جوز آغاجی
۶۵	جوزمره
۶۵	جولا توتما
۶۵	جزدانا جیزدان
۶۶	جیزليق
۶۶	جیزیق
۶۶	جیزیق آتماق
۶۷	چنچیلر
۶۷	چوله چیخما
۶۷	چیلیک دسته
۶۸	چیلینگ آغاج
۶۸	حامام پوش
۶۸	حامام حامام
۶۹	خان توپی
۶۹	خوروز خوروز

## ۸ / بازیهای محلی آذربایجان

۷۰	خسته کین
۷۰	داراق گیزلتدى
۷۱	داری سپمه
۷۱	داش قاچان
۷۲	دالا میندی
۷۲	دانقالا پیشتوو
۷۳	ددم منه کور دئییب
۷۳	دستمال آپارماق
۷۳	د گیرمانچى بابا
۷۴	د گیرمان د گیرمان
۷۴	دور آیاغا دور
۷۵	دو گمه او یونو
۷۵	دونقا دونقا
۷۵	دووارا ووردو
۷۶	دوورادا ووردو
۷۶	دوه قووماق
۷۶	رنگه کسمک
۷۶	زولاچ آتماق
۷۷	زویدورمه
۷۷	زو یولداق
۷۸	سانجیلما آغاج
۷۸	سوت ساغدی
۷۹	سو ز دورمه آغاج
۷۹	سو مسو چیخارتماق
۷۹	سیلیم سو پوروم
۷۹	شئرمى خط

## بازیهای محلی آذربایجان / ۹

۸۰	شار
۸۰	شاققى شاققى
۸۰	شاه وزير
۸۱	شکرپنیر
۸۲	شوبي
۸۲	شيب يزد
۸۳	شيش قوم
۸۳	شيطان زولاغى
۸۳	على حيدر
۸۴	قييقالا
۸۴	قاتار قويماق
۸۴	قاچان قاچان
۸۵	قاچىشماق
۸۵	قاريش آتماق
۸۵	قالا قالا
۸۶	قايتار ما
۸۶	قايسش قويما
۸۶	قايسش گوتدو
۸۷	قايسشن ايج اوزو
۸۷	قجه مه داش
۸۷	قله شك
۸۸	كورت قويون
۸۸	قوش دئمك
۸۸	قوش منده
۸۹	قول تو تما
۸۹	قوناق باجي

## ۱۰ / بازیهای محلی آذربایجان

۸۹	قونا قویدو
۹۰	قوندوم قوندوم
۹۰	قوووالا قاچدی
۹۱	قیدیلانما
۹۱	قیش بازی
۹۱	قیش قیش
۹۲	کباب کباب
۹۲	کلک توب
۹۲	کور
۹۳	کورد گلدی
۹۳	کوس آجاج
۹۴	کوشکی بازی
۹۴	کوف اوچماق
۹۴	کوفله کوفله
۹۵	کوله قوبیا
۹۵	گنتدی گله ها گنتدی گله
۹۶	گوتور بور کووو ویر منی
۹۷	گوزده قالان
۹۷	گوزو باغليجي
۹۸	گوگ آتدى
۹۸	گول گول
۹۹	گيردكان
۹۹	گيزلن پانج
۱۰۰	لاپاق
۱۰۱	لوپوک قاج
۱۰۱	لوس

## بازیهای محلی آذربایجان / ۱۱

۱۰۱	لی لی حوضک
۱۰۲	ماتیلوس
۱۰۲	ماچالیشقا
۱۰۳	مازالاق آتماق
۱۰۳	مازى
۱۰۳	ماژر
۱۰۴	ماللا میندی
۱۰۴	مبه ده قالدى
۱۰۴	مثقالا کسمک
۱۰۵	مره کوچدوم
۱۰۵	میندی میندی
۱۰۵	نارداناسى
۱۰۵	نافقىشلى
۱۰۵	ناینافقىجى
۱۰۶	نومرت
۱۰۶	وردنە آغاج
۱۰۶	هاباخدى باخدى باخدى
۱۰۷	هاچا مینمك
۱۰۷	هاقىشقا
۱۰۸	هفت سنگ
۱۰۸	هدىر آغاجى
۱۰۸	هول ايشلتمك
۱۰۸	هول اويناماق
۱۰۹	هينقلچىج
۱۱۰	ياتار قالخار
۱۱۰	يالتان قالتان

## ۱۲ / بازیهای محلی آذربایجان

۱۱۰	پئر پیشیتچى
۱۱۰	ئېردن اوجا
۱۱۱	ئېرده قالان قورد
۱۱۱	يوزپلنگك
۱۱۲	يولداش آپاردى
۱۱۳	يولداش گون هاردان چىخدى
۱۱۳	يولداشيم باغ يئميشى
۱۱۴	يومورتا دو گوشدورمك
۱۱۴	يوموروق
۱۱۴	يوواريق
۱۱۵	واژه نامه
۱۲۰	فهرست منابع

## پیشگفتار

بازیها بخشی مهم از فرهنگ یک ملت هستند. بازی هم وسیله‌ای است که اوقات فراغت افراد را پر می‌کند و هم نشانه‌هایی مهم از اندیشه، آرزو و جهان‌بینی آنها را بیان می‌کند. وقتی افراد بخواهند بازی کنند به نسبت تعداد، فضا و ابزار موجود در یک مکان، می‌توانند یک بازی خلق کنند و آن را گسترش دهند و قوانینی برای آن ابداع نمایند. بازیهای محلی بدین ترتیب بوجود آمده و نسل به نسل ادامه یافته‌اند.

بازیهای محلی از دیدگاه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و همچنین دیدگاه میراث فرهنگی اهمیتی بسزا دارند. حتی تشابه بسیاری از بازیها با بازیهای اقوام همسایه می‌تواند نشانگر ارتباطات پیوسته و دیرپای مردمی باشد. چگونه این بازیها بوجود آمدند؟ بی‌تر دید نیاز آنان به تحرک و هیجان در این میان نقش مهمی را ایفا می‌کند. انسانها در طول تاریخ این بازیها را آفریده و گسترش داده‌اند.

آذربایجان نیز مانند دیگر جاهای دنیا صاحب گنجینه‌ای از بازیهای محلی است. این بازیها توanstه‌اند تا زمان ما هیجان، تحرک و نشاط را در وجود اجرا کنند گرانشان بیافرینند. در زمان کنونی با پیشرفت علوم و تکنولوژی، فضاهای زندگی نیز کوچکتر شده‌است. شهرها به سرعت

## ۱۴ / بازیهای محلی آذربایجان

بزرگتر شده و فضاهای خالی را بلعیده‌اند. این فضاهای مکانی مناسب برای برگزاری بازیهای مختلف و پرتحرک بودند.

گسترش زندگی آپارتمانی و همچنین سعی خانواده‌ها برای در جریان قرار دادن کودکان خود در مسیر علوم جدید، موجب افزایش بی‌تحرکی در کودکان شده است. تبدیل تلویزیون و رایانه به وسایلی برای پرکردن اوقات فراغت، امکان تحرک بدنی را گرفته و می‌رود تا نسلی ضعیف و نحیف اما با ذهنی مملو از تصاویر ماهواره‌ای و رایانه‌ای بوجود آورد.

بازیهای محلی بویژه در شهرها در حال فراموش شدن هستند. حجم وسیع بازیهای رایانه‌ای و سالنی مانند بیلیارد و بولینگ، ذهن افراد را بکار می‌گیرد در حالی که بدن آنها تحرک چندانی ندارد. گسترش استفاده از وسایل برقی در روستاهای ربع آن حضور تلویزیون در خانه‌های روستایی، به آرامی این مکانها را نیز به محیطی شبیه شهرها تبدیل کرده است.

بازیهای محلی بویژه در شهرهای کوچک و روستاهای، محملي مناسب برای تحرک بدنی، رشد جسمانی، تخلیه هیجان و همچنین فراگیری مسائل روانی و ذهنی چون نظم، بی‌نظمی، تلاش، کوشش، پیروزی و شکست هستند. یک بازی در درون خود، جنبه‌های مختلف جسمی و روانی را گرد آورده است.

اهمیت دیگر بازیهای محلی ویژگیهای روانی و اسطوره‌ای این بازیهای است. تعیین نقشه‌ایی چون گرگ، گوسفند، چوپان، استاد، جهنم و ... خود نشان از بار معنایی خاصی دارد. اشعاری که در بازیها خوانده می‌شود، اگرچه ساده می‌نمایند ولی خود آهنگی موزون به بازی بخشیده و موسیقی

## بازیهای محلی آذربایجان / ۱۵

رانیز در ذهن کودک پرورش می دهدند. در برخی بازیها این آهنگهای موزون با حرکات بدنی نیز همراه می شود.

آغاز این پژوهش حالتی بسیار تصادفی داشت ولی پس از آن حالتی جدی بخود گرفت. منابع مکتوب در این باره بسیار ناقص، پر ایراد و اندک بودند. به نظر می رسد که در این باره بسیار کم کار شده است. ابتدا منابع موجود را بررسی کردم. آنان که خود به زبان ترکی مسلط نبودند، نام بسیاری از بازیها را اشتباه نوشته بودند. برخی افراد از آذربایجان نیز در این کار دستی بودند، خود از بانوان بودند و با طرز انجام بازیها آشنا نبودند و تنها با استفاده از نوشه ها و گفته های دیگران به این کار دست زده بودند.

هنگامی که در روستاهای مختلف معلم بودم، با دانش آموزانی از مناطق گوناگون ارتباط داشتم. آنان از بازیهای رایج خود گفتند و من آنها را گردآوردم. بازیهای دیگر موجود در منابع مکتوب را نیز به آنها افزودم. علاوه بر این برخی بازیها بودند که نه در گفته های دانش آموزانم بودند و نه منابع مکتوب آنها را ضبط کرده بودند ولی خود در زمان کودکی در کوچه با غهای محله مارالان تبریز آنها را انجام داده و قواعد و نام آنها را بخوبی بیاد داشتم.

البته باید توجه داشت که ذکر تمامی جزئیات بازیهای محلی بویژه آنها که مراحل زیادی دارند، ممکن نیست و تا انسان خود اجرای بازی را از نزدیک نبیند، شناخت کاملی از آنها نخواهد یافت ولی ارائه توضیحی مختصر در مورد درون مایه اصلی بازی، می تواند برای خواننده سودمند باشد.

## ۱۶ / بازیهای محلی آذربایجان

بدین ترتیب این کار به سامان رسید. مجموعه بازیهای ذکر شده نباید به عنوان کاملترین درنظر گرفته شود چرا که بسیاری از بازیها منسوخ شده‌اند و فقط نامی از آنها باقی است. دیگر اینکه بی‌تر دید بازیهای محلی آذربایجان محدود به همین تعداد نیستند. امید آنکه خوانندگان گرامی چنانچه بازیهای دیگر یا مطلب یا نظری درباره این مجموعه دارند، بزرگوارانه آن را به نشانی shahmarasi@yahoo.com توانا در چاپهای بعدی اضافه گردد.

بر من است که سپاس فراوان خود را از بزرگواری همه کسانی که مرا در ترتیب این مجموعه یاری کردند، ابراز داشته و روزگاری خوش و تنی سالم برای آنان آرزو نمایم. خداوند آنان را در درستکاری پایدار بدارد.

پرویز زارع شاهمرسی

تبریز. لاله زار

بهار ۱۳۸۶

## آپارام وئرمه رم (Aparram vermərəm)

نام نوعی بازی محلی. ترتیب بازی به این صورت است که بازیکنان از میان خود یک گرگ و گوسفند انتخاب می‌کنند. باقی بازیکنان بره می‌شوند و پشت سر گوسفند صف می‌بنندند. نه گوسفند چوبدستی هم در دست دارد. گرگ می‌خواهد گوسفندان را بگیرد اما نه گوسفند جلوی او را می‌گیرد. در طول بازی گوسفندها مرتباً می‌گویند «نه منی قوردا وئرمه» (مادر ما را به دست گرگ نده) و نه می‌گوید «آپارام وئرمه رم» (می‌برم و نمی‌دهم). گرگ تلاش می‌کند و گاه موفق می‌شود تا بره ای را بگیرد. وقتی تعداد بره‌هایی که گرگ می‌گیرد به حد نصاب برسد، بازی تمام می‌شود. این بازی تقریباً همان بازی «گرگم و گله می‌برم» است.

## آت آت اویناماق (At at oynamagh)

بازی کردن بچه‌ها با اسب چوبی.

## ۱۸ / بازیهای محلی آذربایجان

### آت اویناتماق (At oynatmagh)

هنرمندی بر اسب. تاختن اسب. نام نوعی بازی محلی در مرند که همان بازی با اسب چوبی است.

### آتدی آغاج (Atdi ağac)

نامی دیگر برای بازی وردنه آغاجی. (گویش میانه)

### آتدی توتدو (Atdi tutdu)

نام نوعی بازی محلی گروهی. یک نفر توب را در دست می‌گیرد و همه به دور او جمع می‌شوند. او توب را به آسمان پرتاب می‌کند و نام یکی از آنها را می‌گوید. آن یک نفر توب را می‌گیرد. وقتی توب به آسمان پرتاب می‌شود دیگران فرار می‌کنند. وقتی که آن شخص توب را گرفت، فریاد ایست می‌دهد و همه باید در سرجای خود هرجا که باشند بایستند. سپس او با توب یکی از آنها را می‌زند. اگر موفق به اینکار شد کسی که توب به او خورده است، باید توب را در دور بعد به آسمان پرتاب کند.

### آتدیرما (Atdırma)

نام نوعی بازی گروهی محلی به این ترتیب که یکی از بازیکنان داوطلب می‌شود که به حالت دولاب باشد. به این بازیکن قیلدان قیسیر می‌گویند. در نزدیکی او کپه‌ای خاک می‌ریزند. ابتدا سردهسته روی کپه خاک جفت زده و از روی قیلدان قیسیر می‌پرد و در آن طرف فرود می‌آید. پس از آنکه همه بازیکنان پریدند، قیلدان قیسیر جای خود را تغییر می‌دهد و به

## بازیهای محلی آذربایجان / ۱۹

محلی می‌رود که سردهسته در پرش خود در آنجا فرود آمده است. به همین ترتیب بازی ادامه پیدا می‌کند و در هر بار قیلدان قسیر جایش را عوض می‌کند تا اینکه یکی از بازیکنان نتواند از روی قیلدان قسیر پرسد. وقتی چنین شد او باید جای قیلدان قسیر را بگیرد و قیلدان قسیر به بازی برگردد. به خاطر داوطلب شدن، به او این امتیاز داده می‌شود که تا آخر بازی پرسد حتی اگر در بعضی از پرشها یش موفق نشود. همچنین نوعی بازی در خوی است که یک نفر خم می‌شود و دیگران به ردیف از روی او می‌پرند و اشعاری را می‌خوانند.

## آتلانباخ (Atlanbax)

جفتک چهارکش. پشتک وارو. نوعی بازی کودکان که در آن عده‌ای از آنها در حالی که دست به زانو خم شده‌اند، صف می‌کشند و به ترتیب از روی هم می‌پرند.

## آتلی آغاج (Atlı ağaç)

بازی کودکانه که سوار بر اسب چوبی می‌شوند و می‌تازند.

## آتیچ (Atic)

نوعی بازی کودکان با گردو و گودال.

۲۰ / بازیهای محلی آذربایجان

### آتیمین باشی قیزیل (Atümün başı ghızıl)

(سر اسب من از طلا) نام نوعی بازی در خوی. یک نفر اسب می شود و دیگری بر پشت او سوار می شود و اشعاری را می خواند: «آتیمین باشی قیزیل ، گ ... قیزیل ، آلمیشام سئکسان تومنه ، وئرمه رم دوخسان تومنه». (سر اسب من از طلا، کپل آن از طلا، خریده ام به هشتاد تومان ، نمی دهم به نود تومان).

### آچیل آچیل (Açıl Açıł)

نام نوعی بازی دسته جمعی مانند گل یا پوچ (گوش خوی). کودکان مستهای خود را به پهلو بر روی هم می گذارند. اوستای بازی انگشت اشاره خود را روی مشت بالایی می گذارد و می گوید: «کلید آچیل آچیل». (کلید باز شو باز شو) آن مشت باز می شود و کنار می رود. چون به مشت آخری رسید، صاحب آن مشت در پاسخ اوستا می گوید: «آچیلمیرام». (باز نمی شوم) اوستا می گوید:

- کلید هانی؟ (کو کلید?)

- دوشوب سویا. (افتاده در آب)

- سو هانی؟ (آب کو?)

- اینک ایچدی. (گاو خورد)

- اینک هانی؟ (گاو کو?)

- باشینی کس迪یک یئدیک. (سرش را بردیم و خوردم)

- هانی بس منیم پاییم؟ (پس کو سهم من)

## بازیهای محلی آذربایجان / ۲۱

- قویموشلوق قره قازانین آلتینا پیشیک گلدى يىدى. (گذاشته بوديم زير دىگ سياه، گربه آمد و خورد) اوستا و بازيكنا با دست مانند اينكە ريشها يشان را بكتند، مى گويند «واي ساققاليم، واي بىغلاريم، واي ساققاليم، واي بىغلاريم.» (واي ريش من، واي سبيل من، واي ريش من، واي سبيل من)

## آد قويما (Ad ghoyma)

نام نوعی بازی محلی در يکان كھريز. اين بازی بدین ترتیب انجام می شود که آن را گروھی با بیش از ۵ نفر بازی می کنند. نقشهای آن عبارتند از مادر بچه‌ها، شیطان و بچه‌ها. کسی که نقش مادر بچه‌ها را بازی می کند، آنها را ردیف می کند و روی هر کدام اسمی می گذارد. پس از آنکه اسم گذاری صورت گرفت، کسی که شیطان شد، می آید و طی گفتگویی بچه‌ها را طلب می کند و اسمی را ردیف می کند. اگر توانست اسم کسی را درست حدس بزنند، آن بچه باید شیطان را بزنند و فرار کند. شیطان او را دنبال می کند و اگر تا محلی که قبلًا مشخص شده بتواند کودک را بگیرد، آن کودک می بازد. شیطان دوباره می آید تا کودک دیگری را بگیرد. اگر کودک موفق به فرار شد، دوباره به طرف مادر برمه گردد و بازی ادامه می یابد.

### آدشهرت (Ad şhöret)

نام نوعی بازی. بازی اسم شهرت.

### آرادا ووردو (Arada vurdu)

نوعی بازی با توب. دو دسته با تعداد بازی می کنند. یک دسته دایرهاش تشكیل می دهد و دسته دیگر در وسط دایره قرار می گیرند. دسته بیرونی سعی می کند با پاس دادن توب بازیکنان وسط دایره را بزند. هر کس که توب به او اصابت کند، از بازی خارج می شود. بازی تا مرحله خوردن همه ادامه می یابد. گاه چند نفری باقی می مانند و تشویق می شوند و جای دو گروه باهم عوض می شود.

در قاضی جهان آذربایجان بازی به صورت دسته جمعی صورت می پذیرد به اینصورت که دو نفر به قرعه در فاصله ۲۰ متری از هم قرار می گیرند و بقیه نفرات در فاصله بین این دو درست در خط محور واصل این دو نفر قرار می گیرند که این دو نفر توبی را بین این فاصله به یکدیگر پاس می دهند و در عین حال سعی می کنند تا توب را به یکی از نفرات میانی زده و بدین صورت از میدان خارج نمایند و در این صورت اگر یکی از افراد میانی بتواند توب را بدون برخورد به زمین با دو دست خود بگیرد یک امتیاز و یا یک جان می گیرد که با هر گرفتن یک جان و یک امتیاز به امتیازاتش اضافه شده و با هر تماس بدنی با توب یک امتیاز از دست خواهد داد.

در تبریز هر بازیکنی که بتواند توب حریف را بگیرد، دو بازیکن

## بازیهای محلی آذربایجان / ۲۳

محسوب می شود و باید توب دوبار به او بخورد تا از دور بازی خارج گردد. گاه بازیکنی که توب را گرفته است می تواند به جای یک «جان» خود، بازیکن هم تیمی اش را که اخراج گردیده به داخل زمین بیاورد. بعد از اینکه تمامی بازیکنان توب خورده و از زمین خارج شدند، تیم بعدی وارد زمین می شوند.

زمانی که تنها یک بازیکن در وسط زمین مانده باشد، باید طرفین توب را به صورت پاس هوای بیندازند و اگر پنج بار آن را از زمین پاس دادند و به حریف نخورد، تمام تیم دوباره به زمین بر می گردند.

## آرادان چیخان (Aradan çıxan)

نام نوعی بازی کودکانه. بازیکنان در یک ردیف یا کنار دیوار می ایستند و از هر دو طرف به نفرات وسطی فشار می آورند و فریاد می زنند که هر کس از صف بیرون برود، زن من است. هر کس که در اثر فشار از صف بیرون رفت، بازنده است.

## آرادان خیرمامکو (Aradan xirmaməko)

نام نوعی بازی دسته جمعی محلی. افراد در دو گروه بازی می کنند. گروه اول می دوند و افراد گروه دوم، آنها را دنبال می کنند. طوری که دو نفر یک نفر را تعقیب می نمایند. آنها دقیقاً کنند که آن یک نفر برگشته و از میان آنها نگذرد. اگر آن یک نفر موفق به این کار شود، در حین گذشتن از میان آنها فریاد می زند «آرادان خیرمامکو» (احتمالاً یعنی از من

## ۲۴ / بازیهای محلی آذربایجان

از میان شما گذشتم). بدین ترتیب او یک امتیاز کسب می کند. (گویش استان آباد). این بازی را در برخی جاهای «آرادان خیر» نیز می گویند.

### آردتیرما (Artırma)

نام یک بازی کودکانه که آن را ائششک بئلی نیز می نامند.

### آسلان پیسلان (Aslan pıslan)

نامی دیگر برای بازی الله کلنگ. (گویش تبریز). دیمبلی پیسلان، دامبالا پیستان و دونبالا پیستان نیز گفته می شود.

### آشیرما (Aşırma)

نام نوعی کشتی محلی که در خوی انجام می شود. کشتی گیران با نرمشی که همراه با نواختن ساز و دهل است، کار خود را شروع می کنند. پس از نرمش، کشتی شروع می شود. برنده فردی است که بتواند کمر حریف را گرفته او را بلند کند و بر زمین زند.

### آشیق آشیق (Aşığh aşığh)

نوعی بازی کودکانه. نوع بازی آن تقریباً مانند تیله بازی است با این تفاوت که در این بازی، آشیق را با دست پرتاب می کنند تا به آشیقهای دیگر بخورد ولی در تیله بازی، تیله را در زمین می غلتانند.

### آشیق قوز (Aşigh ghoz)

بازی کودکان با آشیق و گردو. بازی به این ترتیب انجام می‌شود که دایره‌ای می‌کشند و هر بازیکن یک گردو روی خط وسط می‌گذارند. گردوها به صورت یک ردیف چیده می‌شوند و بازیکن اول پا را بیرون دایره گذاشته و با آشیق یا قاب خود گردو را می‌زند. هر چند گردو که از دایره خارج شود، مال او خواهد بود و گرنه دیگری ادامه خواهد داد.

### آغاج آتما (Ağac atma)

این نام در اصل به معنای تقسیم گوسفندان با انداختن چوب در میان آنهاست. همچنین نام یک بازی است که با چوبدستی انجام می‌دهند. بازیکنان هدفی را در نظر می‌گیرند و با چوبدستی خود سعی می‌کنند که آن را بزنند. طرز پرتاب چوبدستی شباهت بسیاری به عمل چوپانان دارد. بدین ترتیب که چوبدستی را طوری پرتاب می‌کنند که چرخش کنان بطرف هدف حرکت کند. به این پرتاب «تولازلاما» گفته می‌شود.

### آغاج دوگدو (Ağac döydü)

نام نوعی بازی محلی. یک چوب را با فاصله می‌گذارند. بازیکن اول با انداختن تکه چوبی، چوب اولی را می‌زند. اگر موفق نشد دومی ادامه می‌دهد ولی اگر زد، چوب اصلی را کمی دورتر می‌گذارد و دومی باید آن را بزنند. (گویش روستای الخج بستان آباد).

### آل آغاجی (Al ağacı)

نام نوعی بازی محلی که در مشکین انجام می‌شود. نام یکی از بازیکنان را روی چوبدستی می‌گذارند. یک نفر چوبدستی را در پایین ترین قسمت آن با یک دست می‌گیرد و هر بار درباره چوبدستی صحبتی می‌کند و دست دیگر کش را کمی بالاتر می‌آورد (مثلًاً چوبدستی به درد شکار خرگوش می‌خورد) به همین ترتیب دستها را بالاتر و بالاتر می‌آورد تا به قسمت انتهایی چوب می‌رسد. جمله‌ای که در این مرحله درباره چوب می‌گوید حکمی است که در مورد صاحب چوب صادر می‌شود. اگر آخرین جمله مثبت باشد تمام است و گرنه (مثلًاً چوب سر صاحبش را می‌شکند) با چوب آنچه را که گفته شده، برسر صاحب آن می‌آورند.

### آلچی تاوا (Alçii tava)

نام نوعی بازی با قاپ. در این بازی دو نفری اگر یکی آلچی افتاد و طرف مقابل جیک بود، آلچی برنده است. اگر تاوا افتاد و طرف مقابل بوک بود، تاوا برنده است. آنقدر قاپ می‌اندازند تا این حالات اتفاق بیفتد.

### آنام منه کور دئییب (Anam mənə kör deyib)

نام نوعی بازی کودکانه. نگا. ددم منه کور دئییب.

### آنا منی قوردا وئرمە (Ana məni ghurda vermə)

(مادر را به دست گرگ نده). نام نوعی بازی کودکانه. بازیکنان در

## بازیهای محلی آذربایجان / ۲۷

یک ردیف پشت سر هم می ایستند و از دامن نفر جلویی می گیرند. نفر اول نقش مادر گوسفندان را بازی می کند و رو بروی گرگ می ایستد. گرگ سعی می کند به یکی از گوسفندان دست یابد ولی مادر گوسفندان فوراً به برابر او می آید و دیگران نیز سعی می کنند پشت سر او بایستند و حالت ستون را حفظ کنند.

## آی قاراقوش (Ay gharaghuş)

نام نوعی بازی با توب در خلخال. بازیکنان به دو گروه مساوی تقسیم می شوند و محلی را در فاصله ۴۰-۵۰ متری از زمین بازی خود با نام محل «رفع خطر» تعیین می کنند. سپس بازیکنان یکی از دو گروه با توافق یکدیگر یا بر اساس قرعه کشی، خم شده و دستهای خود را روی زانو قرار می دهند. گروه دیگر بر پشت آنها سوار شده و در حالی که شعر «آی قاراقوش سالما یئره قان اولار. سالسان یئره قانوه غلتان اولار» (آی قاراقوش به زمین نینداز و گرنه خونریزی می شود و تو در خونت غلتان می شوی) را می خوانند. توپی را که در دست دارند به یکدیگر پاس می دهند. هر گاه توپ به زمین یافتد، نفرات سواره پایین آمده و خیلی سریع خود را به محل «رفع خطر» می رسانند. در این حین نفرات خم شده توپ را برمی دارند و سعی می کنند آن را به یکی از افراد گروه مقابل خود بزنند قبل از اینکه به محل «رفع خطر» برسد. در صورت موفقیت، جای دو تیم عوض می شود و در غیر اینصورت بازی ادامه پیدا می کند.

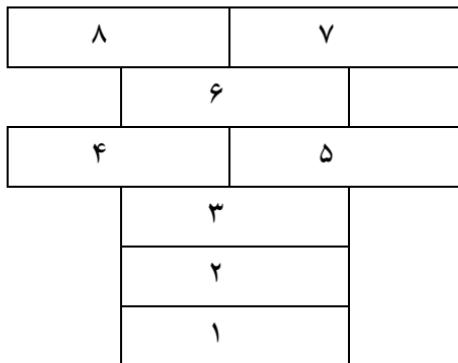
۲۸ / بازیهای محلی آذربایجان

## آی ننه قوردی قوردی (Ay nənə ghurdi ghurdi)

نام نوعی بازی.

### آیاق جیزیغی (Ayagh cizigii)

نوعی بازی کودکانه که با گچ پنج خانه روی زمین می کشند و با پا تکه سنگی را لی کنند از خانه ای به خانه دیگر می برند. شکل خانه ها به این ترتیب است:



### آیاق جیزیق (Ayagh cizigh)

نگا. آیاق جیزیغی.

### آیی اویونو (Ayii oyunu)

نام نوعی بازی در تواریخ ایران. یک نفر از بازیکنان نقش جالیزبان را بازی می کند که جالیز هندوانه و خربزه دارد. او از ترس اینکه خرس به جالیزش

## بازیهای محلی آذربایجان / ۲۹

صدمه بزند، دو سگ نگهداشته است که نقش آنها را دو جوان بازی می‌کنند. یک فرد قوی هیکل با پوشیدن پوستین، نقش خرس را بازی می‌کند. خرس به جالیز نزدیک می‌شود. سگها از ترس صدایشان درنمی‌آید. جالیزان با چوب به خرس حمله می‌کند. سگها هم از صاحبšان حمایت می‌کنند و آنقدر خرس را می‌زنند تا فرار کند. بازیکنان سعی می‌کنند این درگیریها را به شیوه‌ای خنده‌آور نشان بدهند تا حاضران بخندند.

### ائششک بئلی سیندیرما (Eşşək beli sindirma)

نام نوعی بازی دسته جمعی. چهارنفر به دنبال هم خم می‌شوند. سر اولی به درخت یا دیوار است و سر بقیه بر پشت هم به ردیف و متصل هستند. چهارنفر می‌دوند و بر پشت نفر آخری می‌پرند. اگر پاهای او خم شد، آنها ادامه می‌دهند و گرنه جای نفرات عوض می‌شود.

### ائششک باشی دوگمه (Eşşək başı döymə)

نام نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان هر کدام سوار خر می‌شوند و با چوب خود خر یکدیگر را می‌زنند.

### ائششگی سوواردین (Eşşəyi suvadın)

(خر را آب دادی؟) نام نوعی بازی در خوی. یکی از بازیکنان از گوش بازیکن دیگر می‌گیرد و می‌گوید:

ائششگی سوواردین؟ (خر را آب دادی؟) -

## ۳۰ / بازیهای محلی آذربایجان

سوواردیم. (آب دادم) -  
نه سویویلا؟ (با کدام آب؟) -  
سویوق سویویلا. (با آب سرد). در اینجا اولی گوش -  
دومی را محکم می پیچاند و می گوید: «آغیزی دوندو آغیزی  
دوندو» (دهانش یخ زد، دهانش یخ زد)  
اگر بگوید: «ایستی سویویلا. (با آب گرم). دوباره گوش او را می  
پیچاند و می گوید: «آغیزی یاندی آغیزی یاندی» (دهانش سوخت دهانش  
سوخت). اگر بگوید: «ایلیق سوسویلا» (با آب ولرم)، دوباره گوشش را می  
پیچاند و می گوید: «اور گی بولاندی اور گی بولاندی» (حالش بهم خورد  
حالش بهم خورد).

## ائمه (Eşmə)

نام نوعی بازی کودکانه که با قاب انجام می دهند.

## ابه دن کیر (Əbədən kir)

نامی دیگر برای بازی آرادان خیر. (روستای زرین قبا تیکمه داش).

## اتگه داش قویدو (Ətəyə daş ghoydu)

بازیکنان یک نفر را به عنوان استاد انتخاب می کنند و خود روی زمین  
می نشینند. استاد یکی از آنها را به عنوان شاگرد بر می گزینند. بعد شروع  
می کند به گشتن و وانمود می کند که سنگ را در دامن یکی از بازیکنان

## بازیهای محلی آذربایجان / ۳۱

گذاشته است. سپس از شاگردش می پرسد که سنگ نزد کیست؟ شاگرد حدس خود را می گوید. اگر حدس او درست باشد، جای استاد را می گیرد و گرنه می نشیند و کس دیگری به عنوان شاگرد تعیین شده و بازی ادامه می یابد.

### (اجی) (Əci)

یک نوع بازی با کودکان است. بدین ترتیب که آدم بزرگتر که خود یا سرش را مخفی کرده و یک مرتبه سرش را درآورده و می گوید «اجی» و بچه ها در اثر این کار بسیار می خندند. در فارسی از واژه دله برای این بازی استفاده می کنند.

### (ادی باجی) (Ədi bacı)

قايم موشك بازى.

### ارمنی جیزیغی (Erməni cızıqğı)

نوعی بازی دسته جمعی یا دونفره مانند آیاق جیزق. شکلی هشت خانه شبیه خاچ (صلیب) می کشند و به همین دلیل است که این بازی را ارمنی جیزیغی (لى لى ارمنی) نامیده اند. پس از خانه های ۷ و ۸، نیمدايره ای رسم می کنند که آن را جهنم می نامند. در این بازی با وجود استفاده از سنگ برای پرتاب به خانه ها، سنگ را با پا نمی زنند و سنگ در هر خانه که بیفتند، از روی آن خانه می پرنند. بازی از خانه اول شروع می شود و درخانه

## ۳۲ / بازیهای محلی آذربایجان

هشتم پایان می یابد. آخرین مرحله جهنم است که بازیکن باید سعی کند سنگ او به جهنم نیفتد. وقتی او به خانه هشتم رسید، باید از روی جهنم بپرد. اگر موفق شد از همانجا باید سنگ را دوباره به خانه بیندازد. در این صورت او برنده است.

### اززلی مزلی (Əzzəli məzzəli)

نام نوعی بازی دسته جمعی. همه افراد گروه به جز یک نفر در یک ردیف خم می شوند و زانوهای خود را می گیرند و آن فرد به نوبت از روی آنها می پرد و خود بعد از نفر آخر خم می شود و نفر اول صفات کار او را ادامه می دهد.

### ال الله (elə elə)

نام نوعی بازی کودکانه. دو کودک روبروی هم ایستاده و دستهای هم را می گیرند و می چرخند و می خوانند: «ال الله كتان كله، بيز گئديرىك بابام گيله، بابام منه پاپيش آليب، ايچى دولو كىشىميش آليب، بير تايى سين، بير تايى منيم، دونباللان پيس» و می نشینند. سپس دوباره برخاسته و این کار را تکرار می کنند.

### ال الله دوگمه جه له (Elə elə düyməcələ)

نام نوعی بازی کودکانه. چند کودک دستهای هم را گرفته و حلقه می زنند. بعد شعری می خوانند و در جای معینی از شعر همه باهم می نشینند.

## بازیهای محلی آذربایجان / ۳۳

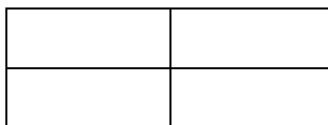
مثال: «الله دو گمه جه له، بابام گشادیب باشماق آلا، بیر جوت منه، بیر جوت سنه، پیس» کسی که حواسش جمع نباشد و ایستاده باشد، از بازی بیرون می‌رود. در دور بعدی به جای «باشماق» چیزهای دیگری چون جوراب و ... می‌گویند.

### (الیم یاندی (θlim yandī)

نام نوعی بازی کودکانه.

### اوج دوز (Üç düz)

نام نوعی بازی دو نفره. روی زمین چهارخانه چسبیده بهم می‌کشند و هر کدام از بازیکنان ۳ سنگریزه دارند.



به نوبت سنگریزه را در تقاطع خطوط گذاشته و می‌کوشند تا سه سنگریزه آنها در یک ردیف باشد و در عین حال از پیش آمدن این حالت برای حریف نیز جلوگیری کنند. اگر یکی از بازیکنان موفق به اینکار شود، یکی از سنگریزه‌های حریف را برابر می‌دارد و کنار می‌گذارد. زمانی که سنگریزه‌ها چیده شد و هیچ‌کدام موفق به چیدن سه سنگریزه در یک ردیف نبود، بازی وارد مرحله دوم می‌شود. در این مرحله هر یک از

## ۳۴ / بازیهای محلی آذربایجان

بازیکنان سنگریزه خود را یک خانه می تواند جابجا کند.

### اوچدوم قوندوم (Uçdum ghondum)

نامی دیگر برای بازی اون ایکی دوز. بالاین تفاوت که زمانی که بازیکنی می خواهد سنگریزه خود را مانند حرکت مهره در شطرنج جابجا کند، به هنگام بلند کردن می گوید: «اوچدوم» (پریدم) و هنگامی گذاشتن سنگریزه در مکان مورد نظر می گوید: «قوندوم» (نشستم).

### اوچدو اوچدو (Uçdu Uçdu)

نوعی بازی - سرگرمی دسته جمعی در تبریز. بازیکنان به صورت دایره می نشینند و یکی از آنها استاد می شود. همگی انگشت سبابه را روی زمین گذاشته و منتظر استاد می شوند. استاد که خودش هم انگشت را روی زمین گذاشته شروع می کند به شمردن: «اوچدو اوچدو قوش اوچدو» (پرید پرید پرنده پرید) همگی دستهاشان را به علامت پرواز بلند می کنند. استاد پشت سر هم نام پرنده ها و یا غیر پرنده ها را می برد و بازیکنان باید دقت کنند که در مورد غیر پرنده ها باید دستشان را بلند کنند و گرنه سوخته و از بازی خارج می شونند. نفر آخر برنده محسوب می شود.

### اوخ آتدی (Ox atdi)

تیروکمان بازی.

### اوستا شاگرد (Usta şayird)

یک نوع بازی - سرگرمی چند نفره. استاد که از میان بازیکنان انتخاب شده، یکی از بچه ها را صدا می زند و چشمهای او را می بندد. از فرد دیگری می خواهد که ضربه ای به پشت او بزند. آنگاه از بازیکنان اولی می پرسد تا اسم زننده را بگوید. اگر موفق شد جای آنها عوض می شود و گرنه بازی ادامه پیدا می کند.

### اوستا عاباس (Usta abbas)

یک بازی سه نفره. یک نفر اوستا، یک بادبزن و دیگری شاگرد. عدهای نیز تماشاگر با عنوان شاگردان، با دهانشان صدای چکش زدن آهنگر را تقلید می کنند و می گویند: «اوستا عاباس، کورو گو باس». (اوستا عباس، بادبزن را بکار بینداز) او هم مثلاً باد می زند. اوستا آهنگر می گوید: «آخشامدیر کورو گون آغزینی پالچیقلایین گندک ائوه» (غروب است در بادبزن را گل بگیرید، به خانه برویم) یک نفر که از پیش گل را آماده کرده، به دهان بادبزن می مالد. بچه ها می خندند و بازی تمام می شود.

### اوستام باز (Ustam baz)

نام نوعی بازی میدانی و دسته جمعی در خوی.

### اوروس آتدیرماسی (Urus atdirmasi)

نام نوعی بازی پرشی در خوی.

## ۳۶ / بازیهای محلی آذربایجان

### اوزوک اوزوک (Üzük üzük)

نوعی بازی و سرگرمی دسته جمعی با انگشت.

### اوزوک گیزلتدى (Üzük gizlətdi)

نوعی بازی دسته جمعی با انگشت. همان اوزوک است.

### اوزومدن سو چیخارتماق (Üzümdən çixartmagh)

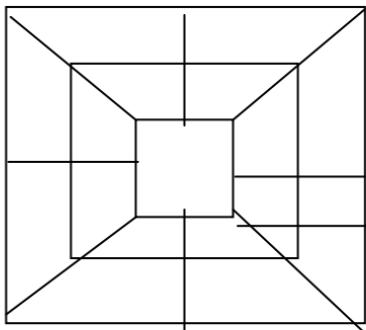
یک نوع سرگرمی با حبه های انگور. چند نفر یک جهه انگور ا در میان می گذارند و بر سر مقداری پول شرط می بندند. اولی می گوید من از این حبه ۱۰ قطره آب می کشم. دیگری اضافه می کند و بدین ترتیب دیگران نیز ادامه می دهند تا بر روی عددی توافق کنند. کسی که آن عدد را گفته سوزن را به حبه فرو می کند و آب از سوزن می چکد. اگر موفق شود پول را می برد و گرنه خواهد باخت.

### اولاتدى (Ulatdii)

نام نوعی بازی محلی. قواعد آن بسیار شبیه به پیل دسته است.

### اون ایکى دوز (On iki düz)

نام نوعی بازی دو نفره که هر کدام ۱۲ سنگریزه دارند. قوانین این بازی مانند بازی اوچ دوز است با این تفاوت که تعداد تقاطع خطوط بیشتر است و مکانی در وسط شکل وجود دارد که سنگریزه های حریف را پس از خارج گردن از مسیر بازی، در آنجا می گذارند.



### اویدوم اویدوم (Uydum uydum)

نام نوعی بازی دسته جمعی. یک نفر چوبی را به آسمان پرتاب می کند و دیگران با چوبدستیها یشان می کوشند آن را در آسمان بزنند. هر کدام که موفق شد نفر اول باید او را بر کول خود سوار کرده و تا محل افتادن چوبدستی ببرد. (گویش میانه)

### ایپ آتدی (Ip atdi)

طناب بازی.

### ایپ کئچدی (Ip keçdi)

نام نوعی بازی با طناب. اگر بازی تک نفره باشد، بازیکن یک سر طناب را به مچ یکی از پاهایش می بندند و طناب را از زیر پای دیگر خود رد می کند اما اغلب این بازی گروهی انجام می شود. گاهی نیز بازیکن طناب را به دور مچ یکی از پاهایش بسته و آن را به صورت دایره می چرخاند و

## ۳۸ / بازیهای محلی آذربایجان

پای دیگر را از روی آن عبور می‌دهد. بازی دو نفره به صورتی است که هر بازیکن یک سر طناب را می‌گیرند و هر دو می‌پرنند.

اگر بازیکنان بیشتر از سه نفر باشند، دو نفر به نوبت طناب را می‌گردانند و دیگران می‌پرنند. هر کس سوخت، جایش را به نوبت با یکی از کسانی که طناب را می‌گردانند، عوض می‌کند. گاه بازی به صورتی است که یک نفر طناب را می‌گرداند و بازیکنان از بیرون وارد طناب او می‌شوند، با او می‌پرند و خارج می‌شوند و نفر بعدی وارد می‌شود.

اگر بازیکنان بیش از ۳ نفر باشند، دو کس طناب را چرخانده و بقیه بدون توقف به نوبت آمده و به تعداد معین طناب را از سرو پا عبور داده و خارج می‌شوند. هر گاه طناب زیر پای کسی گیر کرد، آن بازیکن سوخته و از بازی بیرون می‌رود.

### ایت قوسلو (It ghuslu)

دو نفر دستهایشان را بهم می‌دهند و نفر سوم از دور می‌دود و سعی دارد با بدن خود پیوند دست دو بازیکن را باز کند. اگر موفق نشود خود را روی دست آنها می‌اندازد و آنها هم او را تاب می‌دهند و ترانه‌ای را می‌خوانند: «ایت قوسلوها ایت قوسلو! ایتیم دره ده قوسدو! قارتال داغلارا اوچدو! داغا گئدیرسن دره یه؟» (دمروها دمرو! سگ در دره بالا آورد! عقاب به کوهه پرواز کرد! می‌خواهی به کوه بروی یا دره؟) اگر طرف مقابل بگوید کوه، او را روی پایش به زمین می‌گذارند و اگر بگوید دره، او را با سر می‌اندازند. بازیکنی که زمین خورد، جای خود را با یکی از دو

## بازیهای محلی آذربایجان / ۳۹

طرف عوض می کند و بازی به همین شکل ادامه پیدا می کند.

### ایگنه ایگنه (Iynə iyne)

نام نوعی بازی کودکانه در آذربایجان. بازیکنان دور هم می نشینند و دستهایشان را جلو می آورند. یکی از آنها استاد شده و متلى را می خواند: «ایگنه ایگنه اوجو دو گمه، بربینجی برین کچیر، شاهماجی شاتیر کچیر، قوچ آغاجی قوتور کچیر، هابیان هابیان، ییرتیل ییرتیل سو ایچ قورتول» (سوzen سوزن نوکش دو گه، خال کوب می آید، زخمی می رود، کلنگ دوسر، کلنگ به دست می رود. قوچ قوی هیکل، نیز زخمی می رود. بپر این ور، بپر آن ور، بخور، بترك، آب بخور تمامش کن» و در ادای هر کلمه یکی از انگشتان بازیکنان را رد کرده و پیش می رود. آخرین کلمه متل یعنی «قورتول» به نام هر انگشتی افتاد، آن انگشت کنار گذاشته می شود. استاد دوباره شروع به خواندن متل می کند تا زمانی که فقط انگشت یا انگشتان دست یا دستهای یک نفر باقی بماند. در این صورت این بازیکن بازنشده محسوب می شود.

در این هنگام استاد رویش را به طرف بازنشده کرده و از او می پرسد که از دو کلمه «قا» و «قو» کدامیک را می خواهد. بازنشده مجبور است یکی از این دور انتخاب کند. اگر بگوید «قا» می خواهم به عنوان اینکه خواسته (قارقا) (کلاغ) باشد، همگی او را هو می کنند و میخندند و اگر بگوید «قو» می خواهم استاد می گیود که این بچه «قوتور» (جرب) است و باز بچه ها با هلله و کف زدن بازی را به پایان می بردند و اگر مایل باشند بازی به

#### ۴ / بازیهای محلی آذربایجان

همین شیوه تکرار خواهد شد.

این بازی به شکل دیگری نیز انجام می شود:

یک نفر استاد بازی می شود. بازیکنان دستهای خود را روی زمین می گذارند. استاد متنی را می خواند و با گفتن هر کلمه به یک انگشت اشاره می کند. آخرین کلمه متن به هر انگشتی که بیفتند، آن انگشت کنار گذاشته می شود. این کار ادامه می یابد تا تنها یک انگشت باقی بماند که متعلق به هر بازیکنی باشد، استاد گوش او را گرفته و در همان حال متن دیگری را می خواند، سپس از او می خواهد که نام پرنده ای را بگوید و تا زمانی که پرنده گفته شده در آسمان دیده نشود، استاد گوش او را همچنان نگه داشته و رها نمی کند.

#### ایلدیریم آغاج (İldirim ağacı)

نام نوعی بازی دسته جمعی. نفر اول چوبی را به آسمان پرتاپ می کند. نفر دوم باید با چوب خود آن را در آسمان بزنند. اگر موفق شود نفر اول باید او را تا محل افتادن چوب خود کول بگیرد و گرنه نفر دوم بازی را ادامه می دهد. (گویش روستای قارقاشای تیکمه داش).

این بازی با نام «اویما آغاج» در نواحی دیگر نیزانجام می شود:

بازیکنان در یک صف می ایستند. اولین نفر چوب خود را با قدرت تمام به هوا پرتاپ می کند. بازیکنان دیگر چوب او را نشانه گرفته، هر یک سعی می کنند چوب خود را در هوا به آن بزنند. فردی که موفق به این کار شد، منتظر می ماند تا چوبها روی زمین بیفتند. بعد فاصله چوب خود از

## بازیهای محلی آذربایجان / ۴۱

چوب خورده شده را از صاحب چوب کولی می‌گیرد.

مرحله بعدی بازی با چوبهای بر زمین افتاده، انجام می‌شود. اگر در مرحله اول کسی نتواند چوب مورد هدف را در هوا بزند، در این مرحله شروع کننده بازی نیز همان کسی است که اولین چوب را به هوا پرتاب کرده بود و گرنه کسی که چوب را در هوا زده بود، بازی را شروع می‌کند. به این ترتیب که یکی از چوبهای روی زمین را نشانه می‌گیرد و اگر موفق به زدن آن شود، این بار هم کولی می‌گیرد و صاحب چوب خورده می‌شود و از بازی کنار می‌رود. اما اگر نتواند بزند، صاحب چوب مورد نظر سعی می‌کند چوب این فرد (زننده) را بزند. به هر حال آنقدر ادامه پیدا می‌کند تا یکی از بازی بیرون برود. البته قبل از بیرون رفتن باید به برنده سواری هم بدهد. به همین شکل بازی را ادامه می‌دهند تا همه از بازی کنار بروند. در نوبت دوم دومین نفر از صفحه، چوب خود را به هوا پرتاب می‌کند و بازی به همان شیوه دنبال می‌شود تا همه بازیکنان یک بار چوب خود را به هوا انداخته باشند.

### (Inçələ ghiz) قیز لە اینجه

نام نوعی بازی دسته جمعی کودکانه. چهارپنجم بازیکن یک دایره درست می‌کنند. یک نفر نیز میان آنها چمباتمه می‌زند. بازیکن دیگری که نقش مادر را بازی می‌کند، در بیرون از دایره به دنبال دخترش می‌گردد و می‌خواند: «اینجه لە قیزیم ایتیبدیر، توربادا دوزوم ایتیبدیر». او سرانجام دخترش را می‌یابد. (گویش خوی).

## بئش داش (Beş daş)

بازی پنج سنگ. بازی یه قل دو قل. نوعی بازی که معمولاً دختران با پنج قلوه سنگ انجام می‌دهند. یکی را به هوا می‌اندازند و یکی را روی زمین می‌گذارند. در این بازی پنج سنگ مناسب به اندازه یک جبه قند یا فندق انتخاب نموده آنگاه قرعه کشی را انجام می‌دهند به ترتیب قرعه، اولین فرد بازی را شروع می‌نماید.

۱- اول سنگها را به زمین می‌اندازند و سپس یکی از آنها را برداشته با بالا انداختن آن یک به یک سنگهای روی زمین را برابر می‌دارد بلا فاصله سنگ پرتاب شده به طرف آسمان را می‌گیرد. اگر موفق شد تمام سنگها را بگیرد و حتی یک قطعه نیز به زمین نیافتد، بازی را ادامه می‌دهد و گرنه کار را به نفر بعدی واگذار می‌کند.

۲- در مرحله دوم تعداد چهار سنگ را به زمین می‌اندازد و به عدد دو تا دوتا برابر می‌دارد.

۳- در مرحله سوم چهار سنگ را انداخته سه سنگ را یک جا و یکی را به تنها یکی برمی‌دارد.

۴- دوباره چهار سنگ را بر زمین می‌اندازد و آنها را با هم برمی‌دارد.

۵- در مرحله پنجم که «قیخلاما» نام دارد، جای سنگها را با حرکت انگشتان عوض کرده و دوتا دوتا برمی‌دارد.

۶- در مرحله ششم که «یاغیش» نام دارد، چهار سنگ را ردیف نموده و یک سنگ را در دست نگه می‌دارد و به سایر بازیگران می‌گوید: «شاه سنگ» را برگزینند. در حین بازی نباید به این سنگ دست یا سنگ دیگری

## بازیهای محلی آذربایجان / ۴۳

برخورد نماید. در یک سمت بازیگر دست چپ خود را به صورت دروازه قرار می‌دهد و در سمت دیگر سنگها را می‌اندازد با دست راست آنها را به طرف دروازه می‌زند. اگر موفق شد تمام سنگها را بدون برخورد با «شاه سنگ» به دروازه وارد نماید و آنها را یکجا بقاید، بازی تمام می‌شود و او برنده معرفی می‌گردد.

مرحله هفتم «آلما دریب سبد سالما» و دور هشتم «ال اوستو» نام دارد.  
۷- لازم به توضیح است به تمامی مراحل فوق یک «کوما» گفته می‌شود و در ابتدای امر قرار گذاشته می‌شود مبنی بر اینکه هر کس بدون عیب و نقص تعداد ۱۰ کوما را پشت سر بگذارد، پیروز خواهد بود. در آن صورت تعداد پنج قطعه سنگ اسم گذاری گردیده و روی دست رقیب گذاشته می‌شود. رقیب باید در یک آن دست را بالا برده و با ایجاد خلاء ما بین دست و سنگها آنها را در هوا بگیرد.

این بازی به صورت دیگری نیز انجام می‌شود و آن بدین ترتیب است:  
بازیکنان سنگهای خود را روی هم می‌رینند. یکی از آنها همه سنگها را در مشت خود گرفته و به هوا پرتاب می‌کند. در این فاصله پشت دست خود را زیر سنگها نگه داشته و هنگامی که سنگها روی دست او قرار گرفتند، دوباره آنها را به هوا می‌اندازد. این بار هنگام فرود آمدن، سنگها را در مشت خود می‌گیرد و سعی می‌کند تا جایی که ممکن است تعداد کمتری سنگ بر زمین بریزد. سپس سنگهای مشت خود را می‌شمارد. اگر تعداد آنها فرد باشد، بازنده و در غیر اینصورت برنده است و به عنوان جایزه نصف سنگهای مشت خود را برای خود کنار گذاشته و بقیه را برای دور

#### ۴ / بازیهای محلی آذربایجان بعدی بازی می گذارد.

##### بابا وئر قیلینجی (Baba ver ghilinci)

نام نوعی بازی کودکانه در خوی. کودکان چشم یک نفر را می بندند. یکی از بازیکنان پشت او سوار می شود و می گوید: «بابا وئر قیلینجی» (پدر شمشیر را بده). بچه ها نوک یک تخته را به گل می مالند و به دست کودک چشم بسته می دهند. او نیز آن را به عنوان شمشیر می گیرد و بچه ها با واکنش دیدنی او می خندند.

##### باشماق قویدو (Başmagh ghoydu)

نوعی بازی گروهی در مرند. دایره ای روی زمین می کشند و به حکم قرعه یکی از بازیکنان به وسط دایره می رود و لنگه کفش خود را وسط زمین قرار می دهد و از آن پاسداری می کند. دیگران سعی می کنند با پا به کفش او بزنند. اگر صاحب کفش، کسی را بالگد بزند او باید کفش خود را جای کفش نفر اول بگذارد. اگر بازیکنی موفق شود به کفش بزند آن را به دیگران پاس می دهد و همه به دنبال کفش می دوند.

##### بالا بلندی (Bala bələndi)

نگا. یئرده قالان قورد.

## بازیهای محلی آذربایجان / ۴۵

### بالاجیزیق (Balacizigh)

نام نوعی بازی با قاپ. همانند «جیزیق آتماق» است ولی قطر دایره در این بازی نیم متر است. این بار بازیکن همه آشیقها را در دست می گیرد و به هوا پرتاب می کند، هیچکدام از آشیقها پس از افتادن به زمین، نباید به بیرون از دایره بروند.

### بالیق منده (Baligh məndə)

یک نوع بازی ورزشی دسته جمعی در قوشاقای (میاندواب). تمام بازیکنان که همگی شناگر ماهری هستند، داخل آب می روند. یکی از آنها می گوید: «بالیق منده» (ماهی پیش من). دیگران سعی می کنند او را تعقیب کرده و دست خود را به او بزنند. او نیز می تواند هنگام گریز، زیر آبی رفته و بقیه را مجبور کند تا زیر آب او را جستجو کنند. بازیکنی که دست خود را به او بزنند، بلاfacسله می گوید: «بالیق منده» و این بار همگی به دنبال او می روند و تا هر زمان که بخواهند بازی را ادامه می دهند.

### بلیخ (گویش صحیح این نام روشن نشد)

نوعی بازی نمایشی در توفارقان. این بازی در مجالس جمعی انجام می شود. بلیخ جوان آسمان جلی است با لباسهای کهنه و پاره که ظاهری رقت انگیز دارد. او با چنین شکلی وارد مجلس می شود و نقش فرمانبر حاضران را بازی می کند. هر کس از هر گوشۀ مجلس به او فرمانی می دهد و او باید همه آنها را اجرا کند. گاه در میان فرمانها حرفهای خنده دار و

## ۶ / بازیهای محلی آذربایجان

تمسخر آمیز هم می زند و با بزرگان مجلس شوخي می کند و از آنها انتقاد هم می کند. در پایان با یک رقص خنده دار ولی ماهرانه مجلس را ترک می کند.

### (Bənövşə) بنوش

بنفسه. همچنین نامی است برای نوعی بازی دسته جمعی دخترانه و پسرانه. بازیکنان به دو گروه تقسیم شده و در حالی که دستهای همدیگر را زنجیر وار گرفته اند، در فاصله ۵ متری از هم در دو صفت قرار می گیرند. سپس با قرعه کشی ، شروع کننده بازی (گروه برنده) را مشخص می کنند. آن دسته که بازی را شروع می کند، می گوید: «بنوش» طرف مقابل جواب می دهد: «بنده توشه» (به بند بیفتند) باز دسته اول می پرد «بیزدن سیزه کیم دوش؟» (از گروه ماه کدامیک به گروه شما بیفتند؟) گروه برنده با توافق بین خود یک نفر را صدا می زند و این بازیکن با سرعت و قدرت تمام خودش را به زنجیره گروه مقابل می رساند و سعی می کند صفت آنها را پاره کرده و یک نفر از آنها را به غنیمت برای گروه خود ببرد. اگر موفق به این کار نشود، توسط گروه مقابل همانجا نگه داشته می شود و در حقیقت به گروه دشمن می پیونددند. در پایان بازی گروهی که نفرات بیشتری داشت باشد، برنده خواهد بود.

این بازی به نام «بنده توشه» نیز مشهور است.

### بوجاق توتدو (Bucagh tutdu)

نوعی بازی دسته جمعی در اردبیل. بازیکنان روی زمین یک چند ضلعی رسم کمی کنند که تعداد گوشه های آن یکی کمتر از تعداد بازیکنان باشد. فاصله گوشه ها باید به اندازه معین بوده و در حدی باشد که بازیکنان با دو بتوانند خود را به آن برسانند. بازیکنی به حکم قرعه در وسط قرار می گیرد. سایرین دو به دو باید جایشان را با هم عوض کنند و نفر وسط باید سعی کند در این جابجایی برای خود جایی بدست آورد.

در تبریز این بازی بدین شکل انجام می گیرد که بازیکنان در وسط همان مکان (اطاق، راهرو و سالن و ...) جمع شده و یک، دو، سه می شمارند و همگی به طرف گوشه های موجود هجوم می آورند. هر کس گوشه ای را می گیرد و آنکه بدون جا می ماند، «گرگ» است. آنگاه بازیکنان شروع به عوض کردن جاها می نمایند و گرگ مترصد است تا به محض خالی شدن گوشه ای، آن را بگیرد. بهر حال هر کس بیرون از گوشه باشد، گرگ است.

### بوز تپدی (Buz təpdi)

نوعی بازی یا سرگرمی در اردبیل که در فصل زمستان بر روی رودخانه های یخ بسته انجام می شود. بازیکنان پشت سر استاد بازی که فردی ماهر و ورزیده است، قرار می گیرند. استاد حرکات را یک به یک انجام می دهد و بازیکنان باید عیناً آن را تکرار کنند. این حرکات بیشتر جنبه سُر خوردن به شیوه های مختلف را دارد و در چند مرحله که به تدریج

#### ۴۸ / بازیهای محلی آذربایجان

مشکل تر می شود، اجرا می گردد. مراحلی مانند: حرکات ایستاده، حرکات نیمه ایستاده و حرکات نشسته. به هنگام اجرای مراحل فوق هریک از بازیکنان که قادر به انجام بعضی از حرکات نباشند، از دوری بازی خاج می شوند.

#### به یه مه گیزیر (Beyəmə gizir)

نام نوعی بازی دسته جمعی در خوی. نگا. شاه وزیر.

#### پول چوندرمه (pul çöndərmə)

نام نوعی بازی با سکه. بازیکنان هر کدام بطور مساوی تعدادی سکه را بر زمین می گذارند و هر کدام با سکه خود می کوشند با زدن بر آن سکه ها، آنها را برقگردانند. هر چند سکه که برگردند، نصيب آن بازیکن می شوند.

#### پول پول (Pul pul)

نام نوعی بازی با سکه است. همان پول چوندرمه.

#### پولا یاخین (Pula yaxın)

نام نوعی بازی دسته جمعی با سکه. یکی از بازیکنان سکه ای را به طرف دیوار پرتاپ می کند. دیگران به نوبت سکه های خود را به سمت آن سکه پرتاپ می کنند و در پایان هر کس که سکه اش نزدیکتر به سکه نفر اول بود، برنده است و در دور دوم بازی را او آغاز خواهد کرد.

## بازیهای محلی آذربایجان / ۴۹

### پیت اویونو (Pit oyunu)

نام نوعی بازی یا سرگرمی دو نفره در خالخال. یکی از دو نفر در نقطه شروع بازی قرار گرفته و با ضربه پیت (چوب بزرگ)، پیچه (چوب کوچک) را به جلو پرتاب می‌کند. سپس نفر دوم در جای بازیکن اول می‌ایستد و آب دهان خود را با فاصله هرچه بیشتر به جلو می‌اندازد. حال باید به همان محلی که آب دهان رسیده بیاید و یک نفس در حالی که عبارت «زیرم زیرم، دا و تبرم، خون در جگرم، راهم، سفرم، من با نفس ببل کا» را می‌خواند و می‌دود و خود را به جایی که پیچه قرار دارد، برساند. در صورت موفقیت برآنده می‌شود ولی اگر بین راه نفس او قطع شود و یا نتواند خود را به پیچه برساند، باید از همانجا که نفسش قطع شده و یا از محلی که عبارت بالا تمام شده، بازیکن دیگر را تا جایی که پیچه قرار دارد، کول کند.

### پیشتی پیشتی (Piştı piştı)

نام نوعی بازی دسته جمعی. این بازی بصورت محله‌ای انجام می‌شود یعنی دو محله در مقابل هم قرار دارند و با آغاز بازی، افراد یک محله به افراد محله دیگر حمله می‌کنند و در وسط میدان به هم لگد می‌زنند. این بازی قواعد خاصی ندارد و بازیکنان تا آنجا که بتوانند با شدت بهم لگد می‌زنند. (گویش مرند).

## ۵۰ / بازیهای محلی آذربایجان پیشدبیللى (pişdbilli)

نگا. یئر پیشیتچى.

### پیشیدى (pişibdi)

نام نوعی بازی دسته جمعی در خوی که اساس آن بر دویden دسته جمعی است. این بازی را معمولاً جوانان انجام می دهند. دو نفر دست در دست هم می گیرند. دیگر بازیکان فریاد می زند: «پیشیدى» این به منزله آغاز بازی است. آنان سعی می کنند این دو بازیکن را بزنند و آنها نیز سعی می کنند بدون اینکه دست هم را رها کنند آنها را دنبال کرده و بزنند. اگر آنها موفق شوند یکی را بزنند آن فرد باید دوستی برای خود یافته و در مرحله بعدی آنها دستان هم را بگیرند.

### پیشیک قاچدى (pişik ghaçdi)

نام نوعی بازی سرگرمی دو نفره. ابتدا قرعه می اندازند و یکی موش و دیگری گربه می شود. موش باید با سرعت دست خود را به گربه بزند و فرار کند. گربه هم باید به دنبال او حرکت کند تا او را بگیرد. اما چون محدودیت مکانی وجود ندارد، فراری می تواند به هر سمت و گوشه ای فرار کند و همین امر باعث می شود گربه را خسته کند. بازی وقتی تمام می شود که فراری توسط گربه زده شود که در این صورت جای نفرات عوض می شود.

### پیشیک کئچدی (pişik keçdi)

یک نوع بازی - سرگرمی. بازیکنان به جز یک نفر از آنها، در فاصله‌های معین از هم می‌ایستند و خم می‌شوند و نفر باقیمانده از روی آنها می‌پرد. به طوری که بدنش با آنها تماس نداشته باشد و خود در فاصله‌ای مساوی از آخرین نفر خم می‌شود. پس از آن اولین نفری که خم شده بود، از روی همه می‌پرد و بازی به همین ترتیب ادامه می‌یابد. بازیکنی که نتواند پرد یا باعث زمین خوردن دیگر بازیکنان شود، یک دور از یرپدن محروم می‌شود.

### پیشیک یولو (pişik yolu)

نوعی بازی - سرگرمی دونفره. با توافق دو بازیکن، یکی از آنها موش می‌شود و یکی گربه. جایی را انتخاب می‌کنند که فقط یک راه رو داشته باشد. گربه راه را می‌بندد. موش به گربه می‌گوید: «پیشیک قارداش منه پیشیک یولو وئر» (برادر گربه به من راه فراری بد) گربه راه باریکی به موش می‌دهد اما گوش به زنگ است تا موش عبور کرد او را بگیرد. اگر موفق شد موش را پس از عبور بگیرد، دویاره بازی به همین شکل تکرار می‌شود. اما اگر موش فرار کرد و دست گربه به او رسید. جای موش و گربه باهم عوض می‌شود.

## پیل آغاجی (Pil ağacı)

یک نوع بازی دسته جمعی که قواعد آن شیوه بازی پیل دسته است. ابتدا چاله بزرگ و چاله های کوچک را در زمین می کنند بطوری که جلوی چاله بزرگ همیشه باز بماند. سپس خطی مستقیم جلوی چاله بزرگ می کشند و چوب کوچک را در فاصله یک متری آن قرار می دهند. بازیکنان به ترتیب با چوب خود، در حالی که پشت خط ایستاده اند، چوب کوچک را هدف قرار داده و آن را به جلو می برند. فردی که نتواند چوب خود را به طرف چوب کوچک پرتاب کند، بازنده می شود و مرحله بعدی بازی آغاز می شود. در این مرحله بازنده، چوب کوچک را برداشته و به چاله بزرگ می اندازد. در این هنگام بازیکنان دیگر سعی می کنند با چوب خود چوب کوچک را در هوا یا زمین بزنند و نگذارند به چاله بزرگ بیفتند. اگر بازنده موفق شود، در این صورت بازی متوقف می شود و دوباره آن را به شیوه فوق ادامه می دهند. ولی اگر فردی توانست چوب کوچک را در هوا بزند، باید بلا فاصله آن را در چاله خود بیندازد. حال اگر فرد بازنده چوب کوچک را در چاله او بیندازد، صاحب چاله بازی را باخته و جایش را با بازنده قبلی عوض می کند و این بار اوست که باید چوب کوچک را به چاله بزرگ بیندازد.

## پیل دسته (Pil dəstə)

در این بازی نفرات به دو گروه تقسیم شده و دو سنگ را به فاصله ۱۵ سانتی متر در کنار هم قرار می دهند و پیلی به طول ۲۰ سانتی متر را روی

## بازیهای محلی آذربایجان / ۵۳

سنگ به طور افقی قرار داده و گروه اول با چوبی به طول تقریبی یک متر آن را با ضربه ای به هوا با جهت سمتی که گروه دوم در طرف آن قرار گرفته پرتاب می کنند. اعضای گروه دوم همگی سعی می نمایند آن را در هوا بگیرند تا بدان طریق بازی را به نفع خود گردانند چنانچه گرفتن پیل در هوا میسر نگردد، افراد تلاش دارند تا حداقل نوک انجشتان خود را به آن بزنند تا بدینوسیله یکی از افراد گروه اول را از بازی اخراج نمایند اگر هیچ کدام از این دو حالت روی ندهد، پیل به زمین افتاده را یک نفر به طرف جایگاه دو سنگ پرتاب می کند در این مرحله:

- ۱- کوشش می شود تا چوب فاصله کمی با دو سنگ در هنگام فرود داشته باشد تا امتیاز کمتری نصیب حریف گردد.
- ۲- فردی از گروه اول نیز با درایت سعی می کند با چوبدستی خویش، پیل پرتاب شده از سوی حریف را با ضربه ای دور نماید. هرچه فاصله پیل با سنگ ها زیاد گردد در اندازه گیری به نفع گروه اول و هر چه این اندازه کمتر باشد به سود گروه دوم خواهد بود.
- ۳- از آنجا که اندازه گیری با چوبدستی انجام می گیرد، چنانچه امتیاز گروه اول در مراحل متعدد به تعداد ده متر بر سد، همه شرکت کنندگان در بازی به دور هم جمع می شوند، آنگاه افراد گروه اول یک به یک با چوبدستی، پیل را در هوا می زنند تعداد این ضربات شمرده شده و به حساب فرد زننده منظور می گردد.
- ۴- بعد از اتمام این ضربات، اعضای گروه اول به صورت عمودی اقدام به نواختن ضربه به پیل توسط چوبدستی می نمایند. در این حالت،

## ۵۴ / بازیهای محلی آذربایجان

اعضای گروه دوم که در جناح مقابل پراکنده اند سعی می نمایند آن را بگیرند تا در آخر این مرحله از مسافت طی شده تا سنگها با پرتاب به وسیله دست کسر نمایند.

۵- پس از اتمام مراحل زدن ضربات گروه اول، گروه دوم به ترتیب نفس خود را در سینه حبس می نمایند و شروع به دویدن می کند. با آغاز دویدن شعری می خواند که کلمه آخر آن به هو ختم می شود. مثلاً می گوید: «آنا داشقا زنبیل زونبول هووووو» یا «آل قمه نی، وئر قمه نی، زنبیل، زونبول هو» در اینجا باید هو را بکشد. طی این مسیر تا زمانی که نفس قطع نگردیده محاسبه می گردد. افراد باید تا سنگها بتوانند «اوولداماق» را ادامه دهند تا بازی را به سود خود به پایان ببرند.

بازی پیل دسته به صورتهای دیگری نیز انجام می پذیرد:

(الف) دایره ای روی زمین می کشند و یکی از بازیکنان با دسته و پیل به وسط زمین می رود و سعی می کند پیل را با دسته به بیرون دایره پرتاب کند. بازیکنان که در اطراف دایره هستند، اگر پیل را بگیرند و به طرف بازیکن وسط بیندازنند و او بتواند آن را با دسته بزنند می تواند به بازی ادامه دهد ولی اگر موفق نشود، می تواند دوباره با دسته به پیل بزنند تا به هوا بلند شود. سپس آن را به جلو پرتاب کند. اگر پس از دوبار موفق نشد، بازنده است و دسته پیل را تحويل بازیکن دیگری می دهد.

(ب) چاله ای را به نام قونا در زمین حفر می کنند که بتوان دو سر پیل را در دو طرف آن قرار داد و با دسته به زیر آن زد. یک نفر با دسته پشت پیل قرار می گیرد و سایرین در زمین پراکنده می شوند و بازیکن پیل را به

## بازیهای محلی آذربایجان / ۵۵

طرف سایر بازیکنان پرتاب می کند. گاه پیل در هوا گرفته می شود و بعضی اوقات به زمین می افتد و بازیکنی آن را برابر می دارد و به طرف دسته که در محل قونا گذاشته شده، پرتاب می شود که اگر به آن اصابت کرد، آن فرد جای بازیکن کنار قونا را می گیرد.

ج) پیل را طوری قرار می دهند که یک سر آن در داخل قونا و سر دیگر شیرون باشد. بازیکن سعی می کند با دسته سه بار پیل را بزند و به دور دست پرتاب کند. همه یک بار شانس خود را امتحان می کنند و هر کس که پیل را به مسافت دورتری بزند، برنده بازی است.

برای آنکه تعداد هو کشیدن یا «اولاماق» گروه حریف مشخص شود، معمولاً یکی از بازیکنان خبره در اول بازی، پیل را با دسته روی چوبی می زند. به این عمل اصطلاحاً «چیله مک» می گویند. هر چند بار که توانست با دسته پیل را بزند و پیل به زمین نیفتاد او می تواند به همان تعداد پیل را با دسته پرتاب نماید.

## تاس ملیک (Tas mœilk)

نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان دور یک اوستا می نشینند. یکی از آنها سر به زانوی استاد گذاشته و چشمهاش را می بندد. اوستا انگشت خود را جلوی یکی از اعضای بدن او می آورد. اگر آن بازیکن نام آن عضو را درست حدس بزند، بر می خیزد و دیگری جای او را می گیرد و گرنه بازی ادامه می یابد.

## ۵۶ / بازیهای محلی آذربایجان

### تپیک تپیک (Təpik təpik)

نامی دیگر برای پیشی پیشی.

### تپیک دوگوش (Təpik döyüş)

نام نوعی بازی - سرگرمی دسته جمعی. بازیکنان به دو گروه تقسیم می‌شوند و در مقابل یکدیگر می‌ایستند. سپس در حالی که یک زانوی خود را خم کرده‌اند، روی یک پا به طرف هم هجوم می‌آورند و یکدیگر را بالگد می‌زنند. گروهی برنده است که تلفات کمتری داشته باشد.

### تکسن جوت (Təksən cüt)

نامی دیگر برای بازی تکمه جوت.

### تکر سورمک (Təkər sürmək)

چرخ راندن. یا راندن چارچوب فلزی چرخ دوچرخه. بدین ترتیب که با چوبی چرخ را می‌رانند. کناره چوب را در داخل شیار چرخ کرده و آن را به جلو هدایت می‌کنند. یا اینکه با چوب به حاشیه چرخ می‌زنند و راه می‌برند. یا اینکه لاستیک کهنه ماشین را راه می‌اندازند و از روی آن می‌پرند.

### تکمه جوت (Təkmə cüt)

نام نوعی بازی دو نفره که با بادام بازی شبیه گل یا پوچ بازی می‌کنند.

## بازیهای محلی آذربایجان / ۵۷

با این تفاوت که با دو بادام چشم بندی می کنند و به حریف می گویند که «جفت است یا تک».

### توب توقدو (Top tutdu)

نام نوعی بازی ۳ نفره یا گروهی. دو نفر با هم یار می شوند و توب را پاس می دهند. نفر سوم باید تلاش کند توب را از دست آنها خارج کند. اگر موفق شود توب را بگیرد، به جای کسی وارد بازی می شود که پرتاب آخری را انجام داده است. بازی با این روال تا زمانی که بازیکنان خسته نشده اند، ادامه پیدا خواهد کرد.

### توب چرخی (Top çərxi)

نوعی بازی - سرگرمی در مرند. همه بازیکنان دایره می زنند و تک تک با توب کوچک پشمی به وسط دایره می آیند و یک بار توب را زمین می زنند و یک بار دور خود می چرخند و مجدداً روی توب می زنند و تعداد ضربه ها شمرده می شود. بازیکن تا جایی ادامه می دهد که دیگر نتواند به توب بزنند. هر کس با امتیاز خود کنار می رود و آنکه بیشتر امتیاز آورده باشد، برنده نهایی است.

### توب عربی (Top ərəbi)

نوعی بازی دسته جمعی با چوب و توپی کوچک. بازی شبیه به بازی کریکت است. این بازی را در زمینی مسطح و مستطیل شکل به ابعاد ۳۰ ×

## ۵۸ / بازیهای محلی آذربایجان

۵۰ انجام می دهنند. بازیکنان به دو گروه تقسیم می شوند و با قرعه کشی، گروه دارنده توب (گروه یک) و گروه گیرنده توب (گروه دو) را مشخص می کنند. بعد در زمین بازی سه منطقه را تحت عنوان جایگاههای شماره ۱ و ۲ و ۳ تعیین می کنند. یکی از افراد گروه یک، توب را با قدرت زیاد پرتاب کرده و به سرعت خود را به جایگاه دوم و سوم می رساند و سعی می کند دوباره به جایگاه اول مراجعت کند. در این فاصله اگر گروه دو، توب را به موقع گرفته و این بازیکن را در بین راه با توب بزنند، گروه یک بازنده بوده و جای دو گروه عوض می شود. اما اگر موفق به زدن این فرد نشوند نوبت به فرد دیگری از گروه یک می رسد که بازی را ادامه دهد.

مقررات این بازی ایجاب می کند بازیکنی که توب را پرتاب کرده، حتماً از جایگاه ۲ و ۳ بگذرد و سپس به جایگاه ۱ بازگردد اما این فرصت برای افراد هر گروه باقی است و تا زمانی که آخرین نفر گروهشان توب خود را پرتاب می کند، می توانند خود را به جایگاه ۱ برسانند. خطر زده شدن توسط گروه دیگر در خارج از ایستگاه باقی است که در آن صورت گروهشان بازنده بوده و جای دو تیم عوض می شود.

در قاضی جهان آذربایجان کمی متفاوت است بدینگونه که برای بازی توب عربی از کوچه و یا میدان بهره می برند. در یک طرف خانه ای دایره‌ای شکل به قطر ۳۰ متر بوسیله آب ترسیم می کنند و در طرف دیگر به فاصله ۲۰ الی ۳۰ متر نیز چنین کاری انجام می دهنند. نفرات موجود را به دو دسته تقسیم کرده و با قرعه گروه اول در داخل خانه اول می ایستند.

دسته دیگر در سطح کوچه و یا میدان پراکنده می شوند، نفرات و

## بازیهای محلی آذربایجان / ۵۹

گروهی که در درون خانه اول جای گرفته اند. به نوبت از درون خط داخل دایره بیرون آمده، توب کوچک را با ضربه ای به یک طرف پرتاب می نمایند و سپس با سرعت شروع به دویدن می نمایند تا خود را به خانه دوم برسانند. همزمان با این کار، چنانچه افرادی از آن گروه در خانه دوم بوده باشند با گامهای بلند به طرف خانه اول می دوند تا خود را بدانجا برسانند. بالاخره گروه رقیب سعی وافری می نمایند تا توب کوچک را بدست آورده تا بدینوسیله کسانی را که در حال فرار از این خانه به آن خانه هستند بزنند. اگر این خواسته و هدف تحقق یابد و توب به قسمتی از بدن یکی از فراریان اصابت کند، جای دو گروه عوض می شود بدین ترتیب که گروه بیرون از خانه به درون خانه می روند و گروهی که تا لحظاتی قبل در درون خانه بودند، به بیرون آمده و در اطراف پراکنده می شوند و بازی به همین ترتیب ادامه پیدا می کند.

### توب گئتمک (Top getmek)

نام نوعی بازی با توب مانند بسکتبال. بازیکنان به نوبت به توب پلاستیکی با دست ضربه می زنند وقتی توب به زمین خورد و بازگشت باز با ضربه های پیاپی اینکار ادامه می دهنند. هر بازیکنی که بیشتر توب را در این حالت بازی دهد، امتیاز بیشتری خواهد گرفت.

## ۶۰ / بازیهای محلی آذربایجان

### توپادان توپایا (Topadan topaya)

نام نوعی دسته جمعی در گرمی مغان که اساس آن بر دویدن دسته جمعی است. بازیکنان در چند گروه تقسیم می شوند. هر گروه در مکانی با فاصله، حلقه می زند و یک نفر در میانه حلقه می ایستد. دو نفر در بیرون حلقه ها هستند اولی کمربندی در دست دارد و دیگری را می زند. آن فرد به داخل یک گروه یا توپا پناه می برد. اگر او داخل توپا شد، نفر وسط آن گروه باید خود را به توپای دیگر برساند. بازیکن کمربند به دست نیز او را دنبال می کند و می زند.

### توخوم چیخارتماق (Toxum çıxartmagh)

یک نوع سرگرمی با هندوانه. یک نفر روی هندوانه مستطیلی می کشد و می گوید که من از اینجا ۶ دانه تخم درمی آوردم. دیگری رقم بیشتری می گوید و به همین ترتیب ادامه می دهد تا به عدد ۱۲ برسد. کسی که ۱۲ را گفته، با چاقو هندوانه را از روی آن مستطیل می برد، اگر برنده شود هندوانه مال اوست و گرنه باید پول هندوانه را بدهد.

### تورب اویونو (Turb oyunu)

یک نوع بازی - سرگرمی کودکانه. از میان بازیکنان یک نفر استاد می شود. استاد نام میوه ها و سبزیجاتی را که بیشتر در مناطق آذربایجان به عمل می آید، یک به یک گفته و شکل هر یک را مجسم می کند. بازیکنان باید گفته ها و حرکات استاد را تقلید کنند. گاهی استاد عمدتاً اسم

## بازیهای محلی آذربایجان / ۶۱

بعضی از میوه ها و سبزیجاتی را که می آورد، با شکل آنها هماهنگی ندارد. در این میان بازیکنانی که دقیق کرده و خودشان شکل صحیح را نشان دهنند، برنده و کسانی که کار اشتباه استاد را همچنان تقلید کنند، بازنده می شوند و باید جریمه بازی را که قبل از شروع بازی مشخص شده، پرداخته یا عمل کنند. جریمه ها خود خوراکی، رقصیدن، خواندن ترانه و چیزهای دیگر است.

### (Turna döydü)

نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان ابتدا بین خود قرعه کشی می کنند تا مشخص شود شلاق در دست چه کسی باشد. بعد به صورت دایره با فاصله های مساوی از یکدیگر می ایستند. فردی که شلاق به دست دارد، در وسط دایره قرار می گیرد و در حالی که شلاق را می چرخاند سعی دارد به پای یکی از بازیکنان بزنند. ولی سایرین هر بار که شلاق به طرف آنان می آید، باید با زرنگی از روی آن بپرند و مانع زدن او شوند. شلاق به پای هر کس که بخورد، بازنده محسوب می شود و باید شلاق را به دست گرفته و به وسط دایره بیاید. در غیر اینصورت همان فردی که شلاق دست اوست به همان شیوه بالا بازی را ادامه خواهد داد.

### (Turna vurdu)

نگا. شاه وزیر.

### تولا دوگدو (Tula döydü)

نام دیگری برای بازی قایش گوتدو. (گویش روستای عین الدین بستان آباد).

### تovoخان (Tovxan)

طرف جیک بجول. طرف برجسته بجول. نام نوعی بازی دسته جمعی. دایره ای می کشند و در وسط آن مربعی کوچک. در داخل مربع هر بازیکن یک گردو می چیند. نفر اول با قاب گردوها را می زند. اگر گردو از دایره خارج شود، مال او می شود ولی اگر گردو از مربع بیرون رود، می گویند «اگیلدى» و جریمه دارد. به تعداد هر گردو که از مربع خارج شده باشد، آن بازیکن باید گردو را در مربع بگذارد. اگر قاب را انداخت و قاب تovoخان افتاد، همه گردوها مال او می شود ولی اگر آلچی بیفتد، یک گردو باید به عنوان جریمه بدهد.

### تولاما (Tovlama)

نوعی بازی دسته جمعی. دایره بزرگی روی زمین می کشند و آن را به ۸ قسمت تقسیم می کنند. در سمت چپ و در خارج دایره، مربع مستطیلی رسم می کنند که خانه اول بازی است. خانه های داخل دایره را هم از ۲ تا ۹ شماره گذاری می کنند. درست در نقط مقابله خانه ۱، در آن طرف دایره و در بیرون آن، نیم دایره ای رسم می کنند که جهنم خوانده می شود. بازیکن اول، سنگ را در خانه اول می اندازد و خود از روی خانه اول

## بازیهای محلی آذربایجان / ٦٣

می پرد و یک پایش را در خانه ۲ و پای دیگرش را در خانه ۳ می گذارد. بعد به خانه ۹ می پرد و پای راستش را بالا نگه می دارد. خم می شود و سنگ را از روی خانه اول بر می دارد و از روی خانه ۱ به بیرون بازی می پرد. پشت به شکل بازی می ایستد و سنگ را از پشت سر می اندازد. سنگ در هر خانه ای افتاد، آن خانه متعلق به بازیکن خواهد بود. اما اگر سنگ او به جهنم افتاد، او سوخته است و دیگری بازی را شروع می کند. در این بازی افتدن سنگ و با رفتن پا روی خط، موجب باخت بازیکن است. همینطور اشتباه گذاشتن پا در خانه.

## توبوق قیزار تما (Toyugh ghizartma)

نام نوعی بازی دسته جمعی. این بازی یک نوعی از بازی قایم موشک است. یک نفر به عنوان «بیگ» دستهایش را به هم قفل می کند و نفر اول از بازیکنان سعی می کند دستش را طوری به داخل دستهای قلاب شده «بیگ» برد و به سرعت بیرون بکشد که «بیگ» نتواند دست او را بگیرد. اگر چنین شود، نفر دوم می آید ولی اگر بیگ دست بازیکن را گرفت. بیگ چشمان او را با دست می گیرد و همه قایم می شوند. سپس آن فرد برای یافتن آنها می رود. اگر آنها او را بگیرند می زند و اگر او آنها را پیدا کند پیش بیگ می آید و شوبه می گوید.

### جوچه گوزو (Cüce gözü)

نامی دیگر برای بازی یولداش آپاردی در گرمی مغان. در تبریز نیز همین بازی را با همین نام انجام می دهند.

### جوچلو پئندیر گوگ (Cüçülü pendir göy)

نوعی بازی یا سرگرمی کودکانه در خیاو و ایلات شاهسون. سه قطعه سنگ به نامهای جوچلو (سنگ سیاه)، پئندیر (سنگ سفید) و گوگ (سنگ سبز) انتخاب می کنند. استاد بازی یکی از سنگها را در دستش پنهان می کند و از بازیکنان دیگر می خواهد که نام آن سنگ را بگویند. هر کدام که درست گفتند، یک امتیاز می گیرند. استاد سنگ دیگر را پیش می آورد و دوباره از آنها سوال می کند. در آخر کسی که کمترین امتیاز را بیاورد، بازنده می شود. استاد چشمهای بازنده را بسته و از دو نفر دیگر می خواهد که خود را پنهان کنند. حال بازنده باید بگوید که آن دونفر به سمت راست رفته اند یا سمت چپ. اگر درست گفت که چشمهایش را باز می کنند و گرنه هر دو را کول کرده و تا مسافتی که معین شده، می برد.

### جوز آغاجی (Cuz ağacı)

نوعی بازی سرگرمی گروهی در خیاو. بازیکنان به دو گروه مساوی تقسیم می شوند. آنگاه گودالی در زمین می کنند که به آن «مره» گفته می شود. یکی از دو گروه محافظه گودال است. هنگامی که گروه دیگر توپ را به طرف گودال پرتاب می کند، بازیکنان گروه محافظه با چوبی که در

## بازیهای محلی آذربایجان / ٦٥

دست دارند، باید مانع وارد شدن توپ به گودال شوند. در صورت افتادن توپ به گودال، جای دو گروه عوض می شود و به بازی ادامه می دهند. این بازی را «جوز مره» نیز می گویند.

### جوز مره (Cuz mərə)

نگا. جوز آغاجی.

### جولا توتما (Cola tutma)

نوعی بازی دسته جمعی. به دلخواه روی زمین بازی چاله هایی می کنند که یک توپ کوچک یا گردو در آن جا بگیرد. در داخل هر چاله تعدادی سنگ ریزه می ریزنند. بازیکنان به نوبت، توپ را به طرف چاله ها قل می دهند. اگر توپ در چاله ای افتاد، به ازای آن یکی از سنگریزه های داخل چاله را بر می دارند تا تمام شود. سپس سنگها را می شمارند. سنگ هر کس بیشتر بود، برنده نهایی است.

### جیزدانا جیزدان (Cizdana cizdan)

نوعی بازی دسته جمعی در میان کودکان خوی. کودکان دستهای خود را روی دست یکدیگر می گذارند. هر بازیکن با نوک انگشتانش پوست رویه دست دیگری را می گیرد. مثلاً اگر سه نفر بازیکن باشد، شش دست روی هم خواهد بود. بازیکنان دستهای خود را با ریتم بالا و پایین برده و می خوانند: «جیزدانا جیزدان الیم یاندی» دست پایین به بالا می آید و همینطور ادامه می یابد.

### جیزیق (Cizligh)

نام نوعی بازی دسته جمعی در مرند. دایره ای می کشند و در وسط آن قاب و بادام می گذارند و با قاب آنها را می زنند.

### جیزیق (Cizigh)

نوعی بازی مانند آیاق جیزیق در تبریز. تعداد بازیکنان این بازی از ۲ تا ۵ نفر می تواند باشد. جیزیق در این بازی به صورت شش یا هشت خانه کشیده می شود و در انتهای آن یک جهنم وجود دارد. این بازی متفرعات گوناگونی چون «قیچی قیچی» (که سنگ را بصورت ضربدری از خانه ها رد می کنند)، اوستدن وورما (که سنگ را همزمان با گذاشتن پا باید بزنند)، لس لس (که بازیکن سر را بالا می گیرد و از حفظ خانه ها را رد می شود و اگر پایش روی خط بیفتد چس یعنی سوخته است)، آیاق اوستو (که بازیکن سنگ را روی پایش می گذارد و از تمام خانه ها رد می شود) و اوستو (که سنگ را روی دست می گذارد و خانه ها را رد می شود.).

### جیزیق آتماق (Cizigh atmagh)

یک نوع بازی با قاپ که در قدیم بین بجه ها مرسوم بود. شکل این بازی تقریباً شبیه بازی آشیق قوز است با این تفاوت که در وسط دایره به جای گرد و از آشیق استفاده می کنند.

### چئچیلر (Çeçilər)

نوعی بازی نمایشی دو نفره. خواننده چادر زنانه بر سر می کند و دستهایش را به پشت سر می برد. حرکت دهنده دستها پشت خواننده، زیر چادر زانو می زند و دو دست خود را بیرون می آورد و به جای دستهای خواننده حرکت می دهد. خواننده شروع به خواندن شعرهای فکاهی می کند و نفر دوم باید دستها را بنا بر صحبتهای خواننده حرکت بدهد تا طبیعی جلوه کند. هر چه حرکت دهنده دستها از مهارت بیشتری برخوردار باشد، حاضران در مجلس بیشتر از بازی لذت خواهند برد.

### چؤله چیخما (Çöle çixma)

نام نوعی بازی دسته جمعی. یک مکان امن با نام «ابه» در نظر می گیرند. گروه اول در ابه و گروه دوم در خارج آن قرار می گیرند. یکی از افراد گروه اول بدو از ابه خارج می شود. نفرات گروه دوم سعی می کنند او را بگیرند و او سعی دارد به ابه بازگردد. اگر او موفق شود امتیاز می گیرد ولی اگر او را بگیرند، یک امتیاز به گروه مقابل تعلق می یابد.

### چیلیک دسته (Çililik dəstə)

یک نوع بازی دسته جمعی در خوی. قواعد آن تقریباً همانند بازی پیل دسته است.

## ۶۸ / بازیهای محلی آذربایجان

### چیلینگ آغاج (Çiling ağaç)

نامی دیگر برای بازی پیل دسته. (گویش بستان آباد و قره چیمن)

### حمام پوش (Hamampuş)

نوعی بازی دسته جمعی کودکانه در خوی. این بازی با خاک و آب انجام می شود. بچه ها هر کدام در جلوی خود یک مخروط از خاک خشک درست می کنند. آب می آورند و محیط مخروط را با آن خیس می کنند. سپس با گرداندن دست خود بر روی این مخروط می گویند: «حمام پوش پول گتیر، پول گتیرمه سن قیل گتیر». با گفتن این جملات سطح حمام پوش بتدریج سفت می شود و به شکل گبند در می آید. در اطراف گبند با چوبی چند منفذ باز می کنند و خاک خشک داخل گبند را خالی می کنند.

### حمام حمام (Hamam hamam)

استاد به وسیله کاسه ای که آن را از شن و ماسه پر می کند برای هر بازیکن پشتہ ای درست می کند که آن را حمام می نامند. هر بازیکن پشتۀ خود راز زیر خالی می کند و به آن شکل می دهد و مثلاً دهلیزهایی زیر آن می سازد که به هم راه دارند اما سعی می کند طوری این راهها را باز کند که سقف محکم و استوار باشد. بعد استاد از کار آنها بازدید می کند و با مشت بر سقف این حمامها می کوبد و می گوید: «حمام یات» (حمام بریز) و بازیکن در جواب می گوید: «آی یاتمارام» (آی نمی ریزم). اگر پس از

## بازیهای محلی آذربایجان / ۶۹

دو سه بار سوال و جواب و مشت کوبیدن، سقف حمام خراب نشد، بازیکن برنده است. به این بازی «حمام یات» نیز می‌گویند.

### خان توپبی (Xan topbi)

نوعی بازی دو نفره کودکانه در خوی. کودک اول با گل هاونی درست می‌کند و با آب دهان ته آن را محکم می‌کند. او این ظرف را در دست می‌گیرد و به دوستش می‌گوید: «خان توپبی» دوستش می‌گوید: «گول توپبی. هانی قندی؟» دیگر می‌گوید: «بودور گلدی». کودک اولی هاونی را که در دستش دارد، روی دهانه بر زمین می‌زند. خان توپبی با صدا از هم پاشیده و ته آن باز می‌شود. طرف مقابل باید با گل این جای باز شده را پر کند ولی اگر هاون از هم نپاشیده باشد، همه هاون به طرف مقابل خواهد رسید. سپس کودک دیگر خان توپبی خود را بر زمین خواهد زد.

### خوروز خوروز (Xoruz xoruz)

شکل این بازی با تفاوت‌های شبیه «هاقیشقا» است. بازیکنان یک پای خود را از زمین بلند می‌کنند و به حالت لی لی، زمین بازی را طی می‌کنند. ضمناً دستهای خود را نیز زیر بغل می‌گیرند و به هم نزدیک می‌شوند و سعی می‌کنند هم‌دیگر را بیندازند. بازیکنی که پایش را زمین بگذارد یا دستهایش را از هم باز کند و یا تعادلش به هم بخورد و به زمین بیفتند، سوخته است و باید از بازی کنار برود.

## ۷۰ / بازیهای محلی آذربایجان خسته کین (Xəstəkin)

نوعی بازی دسته جمعی در خوی. معمولاً سه نفر این بازی را انجام می‌دهند. مقررات این بازی تقریباً مانند بازی آیاق جیزق است یعنی تکه‌ای سفال یا کاشی را لی کنان به ترتیب از خانه‌ها عبور می‌دهند و چون بازیکن خانه ششم را نیز رد کرد، می‌گوید: «خسته کین». شکل خانه‌ها در این بازی با «آیاق جیزق» متفاوت بوده و به این شکل است:

۴	۳
۵	۲
۶	۱

### داراق گیزلتدى (Daragh gizlətdi)

نوعی بازی - سرگرمی دسته جمعی در گرمی مغان که معمولاً در مجالس جشن و عروسی انجام می‌شود. دستمالی را پیچانده و به صورت شلاق درمی‌آورند. حاکم بازی، شلاق را در دست گرفته و شانه‌ای را طوری در جیب یکی از بازیکنان می‌گذارد که کسی متوجه نشود. بعدها رو به بازیکنان کرده و از آنها می‌خواهد که بگویند شانه در جیب چه کسی است. اگر کسی درست حدس بزند، ضربه‌ای به حاکم زده و خود حاکم می‌شود و گرنه یک ضربه محکم از حاکم می‌خورد و بازی دوباره شروع می‌شود.

### داری سپمه (Dari səpmə)

نوعی بازی - سرگرمی چند نفری. تعداد بازیکنان باید زوج باشد. افراد گروهها رویروی هم می‌ایستند و در حالی که هر گروه بازوها را بهم قفل کرده‌اند، بازی شروع می‌شود. گروه اول با قدمهای ریتمیک در حال خواندن این شعر جلو می‌روند که «بیز داری نی سپه ریک! سپه ریک!» (ما بذر را می‌پاشیم می‌پاشیم). تیم مقابل با همان ریتم جلو می‌آید و می‌خوانند: «سیز داری نی نه ایله سپه سیز؟» (شما بذر را با چی می‌پاشید؟) جواب می‌دهند و همچنان به جلو می‌آیند: «بیز داری نی اوو جو ایله سپه ریک.» (ما بذر را با مشت می‌پاشیم).

در هیمن سوال و جوابها دو گروه رو در روی یکدیگر هم قرار می‌گیرند و همراه با خواندن شعر، سعی می‌کنند یکدیگر را هل داده و عقب ببرند. هر تیم که مقاومت کند و علاوه بر مقاومت بدنی، جواب مناسب را هم بدهد، برنده محسوب می‌شود.

### داش قاچان (Daş qachsen)

یک نوع بازی دو نفره در هشتاد و پنجمین سنگ را پشت سرهم می‌چینند. بعد درخت یا نشانه‌ای را در حدود ۳ کیلومتری محل بازی انتخاب می‌کنند. طوری که در جای بلندی باشد و از دور دیده شود. حال نفر اول باید دویده و دست خود را به این نشانه بزند و به سرعت برگرد و در همین فاصله، نفر دوم باید سنگها را یکی یکی از اولین سنگ برداشته و آن را ۴ متر دورتر از آخرین سنگ روی زمین بگذارد و بلا فاصله برگشته و

## ۷۲ / بازیهای محلی آذربایجان

دومین سنگ را در کنار سنگ اول قرار دهد و بقیه سنگها را به همین ترتیب در همان جا جمع نماید. اگر این بازیکن بتواند قبل از رسیدن نفر اول، همه سنگها را جابجا کند، برنده نفر اول برنده خواهد بود.

### دالا میندی (Dala mindi)

نوعی بازی دو نفره. دو بازیکن باید همقد و هموزن باشند. آنها دستها را از پشت سر در هم قلاب می کنند و هر بار یکی از آنها دیگری را از زمین بلند می کند به طوری که روی او بطرف آسمان باشد. از او می پرسد: «گویده نه وار؟» (در آسمان چه خبر؟) دومی جواب می دهد: «گوی مونجوغو» (منجوق آسمان). می پرسد: «یئرده نه وار؟» (در زمین چه خبر؟). دومی جواب می دهد: «یئر مونجوغو» (منجوق زمین). می پرسد: «آدین نه دیر؟» (اسمت چیست؟) جواب می دهد: «کرخانا» (کارخانه) بالایی به بازیکن پایینی می گوید: «گوتور منی آت داما» (بردار مرا به پشت بام پرت کن). در این موقع بازیکن رویی پایین آمده و بازیکن اول را بالا می برد و این گفتگوها ادامه می یابد.

این بازی را با نامهای دیگری چون «گویده نه وار» و «گوی مونجوغو» نیز بازی می کنند.

### دانقالا پیشتوو (Danghala piştov)

بازی اله کلنگ در خوی. بازیکنان به هنگام پایین و بالا رفتن می گویند: «دانقالا پیشتوو محمدی، گئتدی قالایا گلممه دی». (دانقالا پیشتوو محمدی، گئتدی قالایا گلممه دی).

## بازیهای محلی آذربایجان / ۷۳

### ددم منه کور دئییب (Dədəm mənə kör deyib)

یک نوع بازی کودکانه در خوی. کودکی یک چوب بر می دارد، چشمانش را می بندد و فریاد می زند «ددم منه کور دئییب (پدر ما کور نام نهاده)» با گفتن این جمله چوب را می چرخاند و سعی می کند تا دیگران را بزند.

### دستمال آپارماق (Dəstmal aparmagh)

نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان به دو گروه مساوی تقسیم شده و روپروری یکدیگر در دو صفت قرار می گیرند. بعد دستمالی را در فاصله بین دو گروه، روی زمین می گذارند. به طوری که فاصله آن از دو صفت مساوی باشد. استاد بازی که از میان بازیکنان انتخاب می شود، شروع به شمردن از یک تا سه می کند. در این فاصله، دو نفر از هر گروه تا پایان شمارش فرصت دارند، دستمال را برداشته به جای خود برگردند. به شرطی که هنگام برداشتن دستمال، دست حریف به آنها نخورد. در پایان گروهی برنده است که بردهای بیشتری داشته باشد. افراد این گروه به عنوان پاداش بر دوش بازنده‌گان سوار شده و تا مسافت معینی سواری می گیرند. این بازی را در مرند «به قاپدی» می نامند.

### دگیرمانچی بابا (Dəyirmançı baba)

نوعی بازی نمایشی دو نفره در توفارقان. آسیابان مشغول کار است که زن بیوه گرسنه ای مقداری گندم برای آرد کردن می آورد. آسیابان از آرد کردن گندم او طفره می رود و وانمود می کند که خیلی کار دارد. هر بار

## ۷۴ / بازیهای محلی آذربایجان

زن برای نرم کردن دل او شعری می خواند ولی او باز هم راضی نمی شود. زن چند شعر می خواند. آسیابان کار او را راه می اندازد و بازی تمام می شود.

### د گیرمان د گیرمان (Deyirman dəyirman)

یک نوع بازی نمایشی. یکی از بازیکنان دست و پایش را توی شکمش جمع می کند و روی زمین چشم می گذارد. سایر بازیکنان دستهایشان را مشت می کنند و به ترتیب روی پشت او روی هم می گذارند و مرتباً با خواندن: «د گیرمان د گیرمان آلتداکی الی اوسته گتیر» (آسیاب آسیاب دستی که زیر است را رو بیار). (در تبریز می گویند: «د گیرمان د گیرمان آلتداکی گلسین اوسته») جای دستهایشان را عوض می کنند و از بازیکنی که چشم گذاشته می پرسند که دست چه کسی بالاست. او باید حدس بزند. اگر حدس او درست باشد، بلند می شود و کس دیگری جای او می خوابد. اما اگر درست نگفت بازیکنان او را غلغلک می دهند یا به او صقلمه می زنند و می گویند: «یات یات دام اوستونه قولاق کسن گلییدیر» (بخواب بخواب که روی بام گوش بر آمده است).

### دور آیاغا دور (Dur ayağa dur)

نوعی بازی دسته جمعی برای دختران در تبریز. بازیکنان به صورت دایره می ایستند. یکی از میان آنها انتخاب شده و در وسط دایره می نشیند. بازیکنان ایستاده دست به دست هم داده و در حالی که ترانه ای می خوانند،

## بازیهای محلی آذربایجان / ۷۵

رقص کنان دور آن دختر که نشسته می چرخند. بعد از پایان ترانه، همگی دستهای خود را باز کرده و به طرف او می روند. سپس بر سر او کوییده و با اشاره دستها به او می فهمانند که وقت آن است که برود و هر که را که می خواهد بزنند و همگی به جای اولیه خود باز می گردند. دختر که با چشم بسته به طرف دایره رفته، به یکی از بچه ها اشاره و یا با دست به او می زند. کسی که اشاره ویا دست دختر که به او بخورد، گرگ شده و با هلهله و شادی بچه ها، مجبور می شود جای دختر که بنشیند و بازی دوباره به همان شکل ادامه می یابد.

## دوگمه اویونو (Duymə oyunu)

یک نوع بازی دسته جمعی در بخش صومای اورمیه. هر بازیکن یک دگمه روی زمین می گذارد. بازیکنان دگمه های یکدیگر را نشانه می گیرند. اگر دگمه فردی که نشانه گرفته، به دگمه دیگری بخورد، برنده است و دگمه طرف مقابل را برابر می دارد.

## دونقا دونقا (Dongha dongha)

نگا. لوپوک قاج.

## دوروادا ووردو (Duvara vurdu)

یک نوع بازی - سرگرمی گروهی. بازیکنان سنگها یا دگمه ها را به تساوی بین خود تقسیم می کنند و در فاصله معین از یک دیوار خطی می کشند. روی دیوار هم علامتی می گذارند که نشانه آن است که نباید

## ۷۶ / بازیهای محلی آذربایجان

سنگها یا دگمه ها از آن حد تجاوز کند. سپس هر یک از بازیکنان به نوبت سنگ خود را پرتاب می کنند. اگر سنگی به بالای خط تعیین شده روی دیوار اصابت کند، دیگر به بازیکن بازگردانده نمی شود. پس از انجام پرتابها، هر بازیکنی که سنگ بیشتری داشته باشد، برده است.

### دورواردا ووردو (Duvarda vurdu)

یک نوع بازی دسته جمعی یا دونفره با سکه که در پی دیوار بازی می کنند. قواعد این بازی همانند بازی پولا یا خین است. با این تفاوت که پای دیواری یک مستطیل به طول دو متر و عرض یک متر می کشند.

### دوه قومماق (Dəvə ghovmagh)

مسابقه شترسواری.

### رنگه کسمک (Rəngə kəsmək)

یک نوع سرگرمی با هندوانه. دو نفر هر کدام یک هندوانه بر می دارند و بر سر رنگ آن شرط می کنند. همواره کسی که رنگ هندوانه اش قرمز باشد، دیگری را خواهد برد.

### زولاق آتماق (Zolagh atmagh)

نوعی بازی دسته جمعی با بادام. پای دیوار یک گودال یا «زولاق» به اندازه جا گرفتن یک سیب می کنند. تقریباً در دو متری آن روی زمین یک

## بازیهای محلی آذربایجان / ۷۷

خط افقی می کشند. یکی از بازیکنان با عنوان «دیب دوران» کنار زولاق می ایستد. بازیکنان به نوبت پایشان را آنسوی خط گذاشته و بادامهایشان را بسوی زولاق پرتاب می کنند. بادامهایی را که بیرون از زولاق باشند به «دیب دوران» می رسد. بادامهای داخل زولاق اگر فرد باشند، به دیب دوران تعلق می گیرند ولی اگر زوج باشند او باید به تعداد آنها بادام بدهد. اگر کسی همه بادامهایش را باخت، نزد دیب دوران می ایستد و هر بار چند بادام از او می گیرد و سپس به بازی بر می گردد.

### ژویدورمه (Züydürmə)

یک نوع بازی دسته جمعی. بازیکنان یک به یک چوبی را بدهست می گیرند و سعی دارند آن را در روی زمین تا فاصله دورتری بلغzanند. وقتی که همه چوبهایشان را لغزانند، هر کس که چوبش را کوتاه تر از همه لغزانده باشد، کلاه یا کفشه را بر زمین می گذارد و دیگران با چوبهایشان آن را می کوبند. (روستای قارقاشای تیکمه داش).

### زویولداق (Züyldagh)

بازی سر خوردن روی برفها. پس از باریدن برف، بازیکنان قسمتی از برف را می کوبند تا کاملاً سفت شود. سپس به ترتیب شروع به سر خوردن می کنند. با هر نوبت سر خوردن، زمین لغزنده تر می شود و به مهارت بیشتری نیاز است. این بازی برد و باخت مشخصی ندارد مگر آنکه بازیکنان بین خود قراری بگذارند. معمولاً در این صورت برنده کسی است که یا اصلاً زمین نخورده باشد، یا تعداد زمین خوردن او از همه کمتر باشد.

## سانجیلما آغاج (Sancılma ağac)

نام نوعی بازی دسته جمعی در تیکمه داش. بازیکنان دو گروه می‌شوند. نفر اول یک گروه گامها را می‌شمارد و به جلو می‌رود. در گام سوم چوب نوک تیزی را به زمین فرو می‌کند، اگر فرو رفت ادامه می‌دهد و گرنه به او می‌گویند «سیچ». نفر دوم همان گروه ادامه می‌دهد. آنقدر می‌روند تا همه افراد گروه اول بسوزند. چون افراد یک گروه تماماً سوختند، آنان باید به نوبت به طرف محل آغاز بازی زوزه بکشند و بدوند تا به مکان اولیه بازگردند.

## سوت ساغدی (Süt sağdı)

نوعی بازی سرگرمی در ماماگان. بازیکنان با توافق هم، دو نفر را که بزرگتر و زرنگتر از همه باشند، با نام سردار و شیطان انتخاب می‌کنند. سردار که سرپرستی بچه‌ها را بر عهده دارد، آنها را در یک ردیف می‌نشاند و شیطان هم که قصد آزار و اذیت آنان را دارد، در فاصله‌ای دورتر پنهان می‌شود. سردار کلاه یا کفش یکی از بچه‌ها را به عنوان ظرف گودی برداشته و آن را در پایین لباسهای بچه‌ها قرار می‌دهد و مانند حالتی که شیر می‌دوشد، لباسهای آنها را تکان می‌دهد که به این کار «سوت ساغدی» (شیردوشی) می‌گویند. وقتی کار دوشیدن شیر تمام شد، سردار، ظرف شیر را روی سر یکی از بچه‌ها گذاشته و به آنها سفارش می‌کند که در غیاب او که به سر کار می‌رود، مواطن شیر باشند که نریزد. بعد از رفتن سردار، شیطان به حالت لی لی به طرف بچه‌ها آمد و با زبان چرب و نرم خود، از

## بازیهای محلی آذربایجان / ۷۹

در دوستی با آنها درمی آید ولی ناگهان ظرف شیر را برداشته و بر زمین می‌ریزد. بچه‌ها شروع به گریه و زاری کرده و سردار را صدا می‌زنند. پس از اینکه سردار از سرکار برمی‌گردد، به اتفاق بچه‌ها به دنبال شیطان می‌روند تا او را گرفته و کنک مفصلی به او بزنند.

### سوزدورمه آغاج (Süzdürmə ağac)

نگا. زویدورمه. (گویش روستای شیرین بولاق بستان آباد).

### سومسو چیخارتماق (Sümsü çıxartmagh)

نام نوعی بازی که در فصل بهار با شاخه جوان درخت بید انجام می‌شود و بچه‌ها پوست آن را سالم در می‌آورند و با آن مانند نی می‌نوازند.

### سیلیم سوپوروم (Silim süpürüm)

کودکی چشمان کودک دیگر را از پشت می‌گیرد و می‌پرسد: «سیلیم سوپورم» دیگری می‌گوید: «آللاها باغیشلا». اولی او را رها می‌کند.

### شئرمی خط (Şer mi xət)

یک نوع بازی دو نفره با سکه. بازیکن اولی تعدادی سکه را در مشت می‌گیرد. آنها را بهم می‌زنند و به هوا پرت می‌کند. بازیکن دیگر یا می‌گوید «شیر» یا «خط». اگر بگوید شیر، سکه‌ها که به زمین افتاد، شیرها را می‌شمارند. اگر تعدادشان از خطها بیشتر بود، او شیرها را برمی‌دارد و گرنه به تعداد شیرها باید سکه بدهد.

## ۸۰ / بازیهای محلی آذربایجان

### شار (Şar)

تیله بازی با تیله فلزی. در آذربایجان به تیله فلزی که از داخل بلبرینگ درمی‌آید، شار می‌گویند.

### شاققی شاققی (Şaghgħi ṣaghħgi)

نوعی بازی دو نفره کودکانه در خوی. دو بازیکن روی روی هم می‌ایستند. و دستهای هم را می‌گیرند. اولی با دست راست دست چپ دیگری را و با دست چپش دست راست او را. هر دو با هم می‌گویند: «شاققی شاققی، ایمام حاقدی، شاققینی بله دوندررلر.» با گفتن این جملات آنها بدون اینکه دستاشان را رها کنند، بر می‌گردند و پشت به پشت هم می‌ایستند و سرها بر بالای سرها قرار می‌گیرد. دوباره آن جملات را می‌گویند و دوباره می‌چرخند و اینکار را با رها تکرار می‌کنند.

### شاه وزیر (Şah vəzir)

شاه و وزیر نوعی بازی دسته جمعی که با یک قوطی مکعب شکل همچون قوطی کبریت انجام می‌گیرد که در شش ضلع آن اسمی همچون شاه، وزیر، دلقک، رعیت، جlad و زندانی نوشته می‌شود و این قوطی به ترتیب بین نفرات حاضر چرخانده می‌شود و هر کس بسته به نوبت خود قوطی کبریت را همچون تاس می‌اندازد. اگر شاه در آمد شاه می‌شود. اگر وزیر در آمد وزیر می‌شود. اگر جlad در آمد جlad می‌شود. و... هر کسی که شاه شد به شخص جlad دستور می‌دهد تا بوسیله یک کمر یا شلاق

## بازیهای محلی آذربایجان / ۸۱

زندانی را مجازات کند و همچنین دلکک مجبور است به نوعی شاه را بخنداند و ... بدین ترتیب با چرخاندن قوطی کبریت ، منصب افراد نیز تغییر کرده و بازی تداوم می یابد.

در نوع تورنا ووردو این بازی آشیق یا قاب را بجای کبریت استفاده می کنند. نفر اول قاب را می اندازد. اگر جیک بیفتد، دزد می شود. اگر بوک باشد، او تماشاچی خواهد بود. اگر شاه باشد، شاه و اگر وزیر بیفتد وی وزیر خواهد شد. بدین ترتیب یک شاه، یک وزیر و یک دزد و تعدادی تماشاچی وجود دارند. وزیر از از شاه می پرسد که: «قربان دزدی دستگیر کرده ایم، چه امری دارید؟» شاه می گوید: «قیزیل» (طلاء). که در این حال نوک طناب یا شلاق را گره زده و با ضربه های محکم به دست دزد می زندند و اگر شاه بگوید «پامیق» (پنه). در این هنگام وزیر چند ضربه به دست دزد می زند و سپس باز قاب را می اندازند.

## شکرپنیر (Şəkər pənir)

نوعی بازی سرگرمی کودکانه. یکی از بازیکنان در وسط قرار می گیرد و سایرین دور او دایره می زندند، می چرخند و می خوانند: «مادر جان اینجا شکرپنیر می پزند». سپس بزرگی، کوچکی آن را با دور شدن و نزدیک شدن به هم و دور کردن و نزدیک کردن دستهایشان مشخص می کنند. سپس خطاب به بازیکن وسط می گویند: «روی پا بلند شو و هیکلش را نگاه کن و هر کس را که خواستی انتخاب کن». بازیکن وسطی می ایستد و یکی از بازیکنان را انتخاب می کند و به جای خود می نشاند. این بازی برد و

## ۸۲ / بازیهای محلی آذربایجان

باخت ندارد و تا زمان دلخواه ادامه می‌باید.

### شوبی (Şobi)

نوعی بازی دسته جمعی در خیاو و ایلات شاهسون. مقداری تپاله را در یک میدانچه جمع می‌کنند. بازیکنان چوبهای خود را که تعداد آنها باید مساوی باشد، در دست گرفته و سعی می‌کنند طوری آنها را پرتاب کنند که توی تپاله‌ها راست قرار بگیرد. کسی که بتواند چوبهایش را راست فرو کند، برنده شناخته می‌شود.

### شیب یزد

نوعی بازی سرگرمی دسته جمعی در میانه. بازیکنان یک گودال به ارتفاع ۵ سانتی متر می‌کنند. داخل گودال آب ریخته و صبر می‌کنند تا خاک آن نرم شود. اولین بازیکن، یکی از چوبهایش را داخل گودال فرو می‌کند. نفر بعدی باید چوبش را با ضربه قوی و نشانه گیری دقیق، طوری در گودال فرو کند که در اثر فشار وارد آمده، چوب قبلی از گودال بیرون بیفتد و در این صورت این چوب افتاده، متعلق به خود او خواهد بود. فردی که چوبش را از دست داده، باید چوب دیگری را در گودال بکارد. کسانی که دقیقتر بوده اند، صاحب چوبهای بیشتری خواهند شد.

### شیش قوم (Şiş ghum)

نوعی بازی گروهی در مرند. افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند و زمین را هم به دو قسمت مساوی بخش می‌کنند. هر گروه در زمین خود مستقر می‌شود. خط وسط زمین حریم خوانده می‌شود. بازیکنان به صورت حمله و گریز به داخل زمین طرف مقابل یورش می‌برند و عقب می‌نشینند زیرا افراد گروه مقابل هم به تعقیب آنها می‌پردازند. گاه در این جنگ و گریز، بازیکن حریف را در حریم خود نگه می‌دارند که به منزله اسیر گرفتن است. گاهی نیز اسیران را با هم معاوضه می‌کنند. بعضی اوقات زندانی موفق به فرار می‌شود. در پایان، هر گروه که اسیر بیشتری گرفته باشد، برندهٔ نهایی است.

### شیطان زولاغی (Şeytan zolağı)

نوعی بازی دستهٔ جمعی. برای هر بازیکن در کنار دیوار زولاق (گودال) کنده می‌شود. گودالها در یک ردیف نبوده و مجتمع و نامرتب هستند. بازیکن توب را از فاصله معینی به طرف گودال خودش می‌اندازد. اگر توب در در گودال خودش افتاد، بازیکن دومی ادامه می‌دهد ولی اگر توب در گودال کس دیگری افتاد، صاحب گودال بر پشت بازیکن سوار می‌شود و بازیکن اول باید توب را به گودال خودش پرتاب می‌کند و تا موفق به اینکار نشود، آن فرد از کولش پایین نخواهد آمد.

### علی حیدر (Əli heydər)

نامی دیگر برای اله کلنگ. (روستای شیرین بولاق بستان آباد).

### قئیقاala (Gheyghala)

نوعی بازی سرگرمی دسته جمعی در ایلخیچی. یک نفر به عنوان استاد انتخاب می‌شود. او مشخصات چیزی را تشریح می‌کند. مثلاً اگر درباره پرنده‌ای صحبت می‌کند، از اندازه، صدا، خوراک، محل زندگی و ... اطلاعاتی به بازیکنان می‌دهد. بعد شروع می‌کند به دور بازیکنان چرخیدن و دست خود را بر شانه یکی از آنان می‌زند. این بازیکن باید بتواند نام پرنده مورد نظر را بگوید. اگر درست گفت، استاد شلاق را به او می‌دهد و او با شلاق بازیکنان را دنبال می‌کند و آنها را می‌زند. اگر در وسط بازی فراموش کرد نام را بگوید، بازنشده است. بازیکنان شلاق را از دست او می‌گیرند و او را می‌زنند. مگر آنکه خود را به استاد برساند و در پشت او پناه بگیرد.

### قاقار قویماق (Ghatar ghoymagh)

نوعی بازی دونفره با تخم مرغ آب پز. دو نفر تعدادی تخم مرغ را به ردیف روی زمین می‌گذارند. بازیکن اولی تخم مرغ اول را بر می‌دارد و آن را پایین نگه می‌دارد. بازیکن دومی تخم مرغ بعدی را برداشته و با آن تخم مرغ اولی را می‌زند. اگر شکست، تخم مرغ نصیب دومی خواهد شد و بازیکن اولی باید تخم مرغ دیگری را برداشته و پایین قرار بگیرد.

### قاچان قاچان (Ghaçan għaçan)

بازی بدوبدو. یکی از بازیکنان گرگ می‌شود و به دنبال سایر بازیکنان می‌دود. در یک نوع از این بازی اولین نفری که توسط گرگ گرفته شود،

## بازیهای محلی آذربایجان / ۸۵

باید جای گرگ را بگیرد ولی در نوع دیگر گرگ تا همه بازیکنان را نگیرد، بازی تمام نمی شود.

### قاچیشماق (Ghaçışmagħ)

مسابقه دو سرعت.

### قاریش آتماق (Għarīś atmagh)

نوعی بازی دو نفره با سکه. بازیکنان سکه های خود را روی زمین می چینند و بازیکن اولی در فرصتی مناسب و با توجه به طرز چینش سکه های حریف، سکه خود را بطرف سکه او پرتاب می کند. اگر سکه تا فاصله یک وجب یا کمتر آن سکه برسد، آن سکه نصیب بازیکن اول خواهد شد و گرنه به حریف خواهد رسید.

### قالا قالا (Għala għala)

نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان دو دسته می شوند و دو دسته دسته را به هم می دهند و مقابل هم صفت می بندند. با شروع بازی هر گروه در حالی که سعی می کند، یکپارچه بماند، به گروه مقابل حمله می کند و تلاش می کند بازیکنان گروه مقابل را به حصار خود (زمین خود) بکشد. هر گروه که بتواند یکی از بازیکنان حریف را دستگیر کند، به زمین خود عقب می نشیند و یار دستگیر شده را به گوشه ای می برد تا آزاد کردن او توسط دوستانش به راحتی شدنی نباشد. در این حال یاران حریف باید از سد

## ۸۶ / بازیهای محلی آذربایجان

دستهای به هم پیوسته آنها بگذرند. گاه یارانی که برای نجات دوست خود می‌آیند، خود نیز گرفتار می‌شوند. بعضی اوقات گروه یورش برنده نه تنها دوست خود را آزاد می‌کنند، بلکه موفق می‌شوند یکی از یاران حریف را به اسارت بگیرند.

### قایتارما (Ghaytarma)

یک بازی دو نفره با چیل و دسته. یک نفر چیل را با چوب پرتاب می‌کند. اگر دیگری چیل را با چوبش بزنند، این بار او چیل را به طرف مخالف پرتاب خواهد کرد. و گرنه نفر اول ادامه می‌دهد. کسی که دیگری را بیشتر از مکان اولیه دور کرده باشد، برنده است.

### قایش قویما (Ghayış ghoyma)

نامی دیگر برای بازی قایش گوتدو در خوی.

### قایش گوتدو (Ghayış götdü)

نام یک بازی دسته جمعی با کمربند. بازیکنان در دو گروه سامان می‌یابند. دایره‌ای کشیده و گروه اول در داخل دایره قرار می‌گیرند. چند کمربند را طوری قرار می‌دهند که سگگ آنها روی خط و بقیه آنها بیرون از دایره باشد. افراد گروه داخل کنار کمربندها می‌ایستند و افراد گروه دوم سعی دارند، کمربندها را بردارند. افراد گروه اول می‌کوشند بدون اینکه از دایره خارج شوند، آنها را با لگد بزنند. اگر بازیکنی از بیرون موفق به

## بازیهای محلی آذربایجان / ۸۷

برداشتن کمربند شود، شروع به زدن افراد داخل می‌کند و آنها باید از دایره خارج شوند. در عوض آنها نیز می‌کوشند تا نفرات بیرونی را به داخل دایره کشیده و بگیرند.

### قاییشین ایچ اوزو (Ghayişin Iç üzü)

نوعی بازی دونفره با کمربند در خوی. بازیکن اولی کمربند را بصورت مارپیچی در دستانش حلقه کرده و دو سر کمر را در دستش می‌گیرد. دیگری باید با دقت در مسیر مارپیچهای کمر، طرف داخل کمر را پیدا کند و چوبی کوچک در آنجا فروکند. بازیکن اولی کمربند را به آرامی باز می‌کند و اگر چوب داخل بود که بازیکن دومی برنده است و در غیر اینصورت بازی ادامه می‌یابد.

### قجه مه داش (Għecċemha daš)

نام نوعی بازی با سنگریزه در خوی. شکل این بازی تقریباً همانند بازی بتش داش است ولی قواعد و مراحل آن متفاوت است.

### قله شک (Għeləşek)

نوعی بازی دسته جمعی با قاپ. بازیکنان هر کدام قابهای خود را به پهلو روی زمین می‌گذارند. بازیکن اولی پا را روی آنها گذاشته و ساقهای خود را به دورتر می‌چرخاند. اگر ایستاد، از آنجا قابهای دیگران را می‌زنند. هر کدام که جیک شدند، نصیب او خواهند شد و گرنه بازی با دیگران ادامه خواهد یافت.

## قورت قویون (Ghurt ghoyun)

نوعی بازی نمایشی در سراب. در این بازی حدود ۲۰ نفر شرکت می‌کنند. چوپان به همراه سگها، گوسفندان (قویونلار) را به صحراء می‌برد. دو قورت (گرگ) کمین می‌کنند و تا چوپان برای نماز خواندن به مسجد می‌روند به گوسفندان حمله می‌کنند. چوپان با صدای بلند الله اکبر می‌گوید و سگها را خبر می‌کند. سگها با گرگها در گیر می‌شوند و مردم هم به کمک می‌آیند و گوسفندان را از دست گرگها نجات می‌دهند.

## قوش دئمک (Ghuş demək)

نام نوعی بازی دسته جمعی است مانند بازی «گئتدی گله‌ها گئتدی گله». با تغییرات جزیی.

## قوش منده (Ghuş məndə)

نام نوعی بازی دسته جمعی. یکی از بازیکنان به دیگری می‌گوید: «او قوشاباخ» (آن پرنده را ببین) وقتی او سر بر گرداند، بازیکن اولی یک پس گردنی به او می‌زند و می‌گوید: «قوش منده». (پرنده پیش من) بعد می‌دود. آن فرد سعی دارد او را بگیرد. دیگری او را می‌زند و می‌گوید: «منده» (پیش من) و همینطور بازی ادامه پیدا می‌کند تا بازیکنی که پس گردنی خورده، بتواند یکی از آنها را بگیرد.

## بازیهای محلی آذربایجان / ۸۹

### قول توتما (Ghol tutma)

یک نوع بازی دو نفره. بازیکنان روبروی هم می‌ایستند یا می‌نشینند و دو دست خود را در هم گره می‌اندازند و قرار می‌گذارند که چه مقدار از دست حریف را باید به زمین برسانند تا برنده شناخته شوند. آنگاه هر بازیکن تلاش می‌کند دست بازیکن حریف را به همان میزان تعیین شده به زمین بمالد.

### قوناق باجی (Ghonagh bacï)

مهماز بازی. نام نوعی بازی کودکانه که بیشتر در میان دختربچه‌ها اجرا می‌شود.

### قونا قویدو (Ghuna ghoydu)

نوعی بازی دسته جمعی در منند. گودالی به نام قونا می‌کنند و بازیکن اول دسته‌های بادام را از دور به طرف گودال پرتاب می‌کند. اگر بیشتر از نصف بادامها در گودال افتادند همه را بر می‌دارد و برمی‌گردد و دیگری ادامه می‌دهد ولی اگر کمتر باشد، آنها را که در گودال نیفتاده برمی‌دارد و بقیه را در گودال باقی می‌گذارد. این بادامها نصیب بازیکنی خواهد شد که بیشتر از نصف بادامهای دستش را به گودال بیندازد.

## ۹۰ / بازیهای محلی آذربایجان

### قوندوم قوندوم (Ghondum ghondum)

نوعی بازی در قاضی جهان توفارقان. این بازی دو نفره بوده که با تقسیم سه عدد سنگ ریز و سه عدد چوب کوچک بین این دو نفر انجام می‌پذیرد. ابتدا روی زمین خاکی، مکعب مربعی بطول ۲۰ سانتی متر ترسیم می‌شود که هر نفر به نوبت در تقاطع این شکل، سنگ و یا چوب را جا گذاری می‌کند که در صورت غفلت یک نفر و تیزهوشی فرد دیگر اگر سه چوب و یا سه عدد سنگ بصورت ضربدری و یا بصورت طولی و یا عرضی قرار گیرند، در اینصورت به صاحب برنده یک امتیاز داده می‌شود که در صورت جمع امتیاز ۲۰ توسط یک نفر آن شخص برنده بازی خواهد بود. این بازی را در تبریز قوندوم کوچدوم می‌نامند.

### قوو والا قاچدی (Ghovala ghaçdî)

یک نوع بازی معمولاً دو نفره. یک بازیکن دوستش را دنبال می‌کند. اگر او را بزند، بازیکن دومی، اولی را دنبال خواهد کرد و به همین ترتیب بازی تا زمان خسته شدن بازیکنان ادامه خواهد یافت. این بازی در مرند به ترتیب ذیل انجام می‌شود:

بازیکنان به دو گروه تقسیم می‌شوند و به فاصله ۵۰ متری از هم صف می‌بندند. از یکی از دسته‌ها، یک نفر به طرف گروه مقابل می‌رود و یکی از بازیکنان را می‌زنند و به طرف گروه خود فرار می‌کند. بازیکن خورده باید او را تعقیب کند. اگر موفق به گرفتنش شود، برنده است. اگر نتواند او را بزند و او به دسته خود برسد، خود او باخته است. برد و باختهای

## بازیهای محلی آذربایجان / ۹۱

افراد هر دسته حساب می‌شود و گروهی که بازیکنان برنده بیشتری داشته باشد، برنده بازی است و افراد آن گروه از گروه مقابل کولی می‌گیرند و این جمله را تکرار می‌کنند: «آرپا آرپا امان قوشی قوشی»

### قیدیلانما (Ghidilanma)

نوعی بازی دسته جمعی با بادام. بازیکن اولی چند بادام در مشت می‌گیرد و انگشت اشاره را بر زمین می‌گذارد. دیگر بازیکنان هر کدام تعدادی بادام در مشت می‌گیرند. بازیکن اولی مشت خود را باز می‌کند و دیگران نیز باز می‌کنند. اگر تعداد بادامهای نفر اول فرد بود، او کسانی را که بادامهایشان فرد است می‌برد و بادامهایشان را می‌گیرد ولی به کسانی که بادامهایشان زوج است، می‌بازد و باید به تعداد بادامهایشان، به آنها بادام بدهد.

### قیش بازی (Gheyis bazi)

نگا. قاییش گوتدو. (گویش میانه).

### قیش قیش (Gheyis ghayis)

نگا. قاییش گوتدو. (گویش تیکمه داش). قاییش قاپدی نیز می‌گویند.

## ۹۲ / بازیهای محلی آذربایجان

### کباب کباب (Kəbab kəbab)

نوعی بازی - سرگرمی ۲ نفره. دو بازیکن رو بروی هم می‌نشینند. یکی از آنها دستهای خود را پیش می‌آورد و بازیکن دیگر دستهایش را روی دستهای او می‌گذارد. کسی که کباب پز است (یعنی دستهایش در زیر قرار دارد) باید با سرعت دستش را از زیر کباب بکشد و محکم روی کباب بکوبد. اگر موفق شود، جای کباب پزبا کباب عوض می‌شود و بازی ادامه می‌یابد.

### کلک توب (Kələk top)

نامی دیگر برای هفت سنگ. (گویش تیکمه داش).

### کور (Kör)

نوعی بازی دسته جمعی در مرند. بازیکنان به دو دسته تقسیم می‌شوند و دایره‌ای رسم می‌کنند. گروهی در داخل و گروهی در خارج دایره قرار می‌گیرند. افرادی که در خارج دایره هستند، به داخل یورش می‌آورند و افراد داخل سعی می‌کنند با دست آنها را بزنند. هر کس بخورد، کشته به حساب می‌آید و از بازی خارج می‌شود. گاهی یکی از بازیکنان داخل دایره به تعقیب بازیکن بیرون دایره می‌پردازد. در این حالت اگر یکی از بازیکنان خارج دایره با کشیدن کلمه «کور» به دور دایره بدد، بازیکنی که از دایره خارج شده کشته می‌شود و باید از بازی خارج شود. در این فاصله اگر بازیکنی بتواند با کشیدن «کور» ممتد وارد دایره شود، همه بازیکنان درون

دایرہ سوخته اند و باید جاها عوض شود.

### کورد گلدى (Kurd gəldi)

نوعی بازی کودکانه در برخی روستاهی خوی. این بازی در فصل تابستان انجام می‌شود. کودکان روی زمین نشسته و پاهایشان را از هم باز می‌کنند. آنان پشته‌ای از خاک را میان پاهایشان جمع می‌کردند و با دست بر آن می‌کوبند و دسته جمعی با تداعی کردن صدای پای اسبان می‌گویند: «کورد گلدى، کورد گلدى».

### کوس آغاج (Kos ağaç)

نوعی بازی دسته جمعی. قواعد این بازی تقریباً شبیه پیل دسته است. در زمین بازی به فاصله‌های معین تعدادی چاله کوچک حفر می‌کنند. تعداد چاله‌ها باید یکی کمتر از تعداد بازیکنان باشد. به قید قرعه فردی را که باید دنبال توپ بدد، انتخاب می‌کنند. بازیکنان با چوبدستی از چاله‌ها کوچک و چاله بزرگ محافظت می‌کنند تا نگذارند بازیکن بدون چاله، توپ را به درون چاله بزرگ یا چاله‌های کوچک بیندارد. کسی که به دنبال توپ می‌دود، اگر موفق شود توپ را به داخل چاله بزرگ بیندازد، بین بازیکنان صاحب چاله قرعه کشی می‌شود (همه چوبدستهای خود را به طرف توپ پرتاب می‌کنند، هر کس موفق نشد با چوبدستی خود توپ را بزنند جایش را با بازیکنی که توپ را به داخل چاله انداخته، عوض می‌کند). اگر بازیکن موفق شود توپ را به داخل یکی از چاله‌های بزرگ

۹۴ / بازیهای محلی آذربایجان  
بیندازد، جایش را با صاحب چاله عوض می کند.

### کوشکی بازی (Köşki bazi)

نوعی بازی گروهی. در بین جمع، ۵-۷ نفر که قوی تر هستند، یک حلقه می زندند و دستهایشان را روی شانه های هم قرار می دهند. ۳-۵ نفر دوم روی دوش آنها می ایستند و به همان ترتیب عمل می کنند و حلقه سوم که ۲-۳ هستند، به همان ترتیب در بالا قرار می گیرند. این گروه با این آرایش فلوت می زندند و می چرخند.

### کوف اوچماق (Küf uçmagh)

تاب بازی.

### کوفله کوفله (Küflə Küflə)

نوعی بازی نمایشی در توفارقان. فردی ساده را انتخاب می کنند و نام کوفله را بر او می گذارند. دو بازیکن پشت به پشت خم می شوند و دستها را بر زانو می گذارند. کوفله هم زانو می زند و سرخود را زیر پای دو بازیکن می گذارد. با اشاره استاد حضار یکی یکی می آیند و بر پشت کوفله سوار می شوند و سر خود را بر گردن او می گذارند و معلق می زندند. این بازی تا جایی ادامه پیدا می کند که کوفله از بازی خودداری می کند. این بازی را در مرند اوچ یاستیق می نامند.

### کوله قوپیا (Külə ghuppa)

نام نوعی بازی چند نفره که در هنگام درو انجام می‌شود. این بازی را که شیوه گل یا پوچ است، گروه دروگران در صحرابازی می‌کنند. یک نفر برگی از علف می‌کند. همه چشمها یشان می‌بندند. او برگ را زیر کپه‌ای می‌گذارد. هر کس بتواند برگ را پیدا کند، مقداری به او علف آلاق می‌دهند.

### گئتدی گله‌ها گئتدی گله (Getdi gələha getdi gələ)

یک بازی دسته جمعی در خوی. یک نفر به عنوان ملا انتخاب می‌شود. او را جایی بلند یا کنار دیواری می‌نشیند. بازیکنان دیگر نیز در مقابل او دایره وار چمباتمه می‌زنند. به نفر اولی یک کمربند می‌دهد. ملا به آرامی به بازیکن کناری خود مشورت می‌کند و با در نظر گرفتن یک پرنده، می‌گوید: «بیر قوشوم وار بو قدده نه» (یک پرنده دارم به این قد) با دست اندازه پرنده را نشان می‌دهد. بازیکنان همه یکصدا می‌گویند: «گئتدی گله‌ها گئتدی گله» (رفت بیاید ها رفت بیاید) ملا می‌گوید: «دیم‌دیگی وار بو قدده نه» (منقاری دارد به این قد) دستانش را به اندازه منقار پرنده نشان می‌دهد. بازیکنان همه یکصدا می‌گویند: «گئتدی گله‌ها گئتدی گله». بدین ترتیب ملا، مشخصات پرنده را ارنهنایی می‌کند و در پایان می‌گوید: «تاپین گورک» (پیدا کنید بینیم). بازیکنان و در ابتدا کسی که کمربند را در دست دارد، جواب می‌دهد. اگر پاسخ درست نباشد، مثلاً بگوید: «قاز». باید کمربند را به قاز بدهد. اگر پاسخ درست باشد، ملا خواهد گفت: «وور

## ۹۶ / بازیهای محلی آذربایجان

چاتلاسین» و او با کمربند، دیگر بازیکنان را خواهد زد. هر زaman ملا بگوید: «پالان» بازیکنان به او حمله خواهند کرد و به زور مشت و لگد سعی خواهند کرد تا کمربند را از او بگیرند و او خواهد کوشید خود را به ملا برساند. اگر موفق شود بازی از نو ادادمه خواهد یافت. این بازی با نامهای قوش دئمک، قالاندار، قوى گله ها قوى گله نیز انجام می شود.

### گوتور بورکوو ویر منی (Götü böركۈۈ vir məni)

کلاهتو بردار منو بزن. نوعی بازی ورزشی در ایلخیچی که با ۱۵ نفر انجام می شود. یک استاد انتخاب می کنند. یکی از بازیکنان به قید قرعه در میان میدان خم می شود و دستها را به زانو می گیرد. دیگران صف می بندند و از روی او می پرند و هر کدام مصرعی از شعری بلند را می خوانند. هر یک از آنها که نتواند شعر را بخواند و یا نتواند درست بپرد، جای بازیکن خم شده را می گیرد. اما اگر همه توanstند کار خود را کامل انجام دهند، نفر آخر می گوید «گوتور بورکوو ویر منی». (خم شو کلاهت را به من بد) کسی که خم شده، کلاهش را بر می دارد و بازیکنان را دنبال می کند و هر کس را که زد، او باید در وسط خم شود و دیگران از روی بپرند.

### گوزده قولاق (Gözdə ghulagh)

نوعی بازی سرگرمی دسته جمعی. بازیکنان از میان خود یک نفر را

## بازیهای محلی آذربایجان / ۹۷

گرگ می کنند و دستمالی به دست او می دهند. باقی بازیکنان روی زمین به شکل دایره می نشینند. گرگ شروع به چرخیدن می کند و دستمال را پشت سر یکی از بازیکنان که نشسته است می گذارد و فرار می کند. سپس یک دور، دور دایره می چرخد و وقتی به پشت بازیکن می رسد، دستی به شانه او می زند و او را از دایره بیرون می آورد و خودش جای او می نشیند. اما اگر بازیکن متوجه شود که گرگ دستمال را پشت سر او گذاشته است، بلند می شود و گرگ را دنبال می کند و قبل از اینکه گرگ به جای او برسد او را می زند. در این صورت گرگ همچنان در نقش خود باقی می ماند و بازیکن به جای خود باز می گردد.

## گوزو باغليجي (Gözü bağılıcı)

چشم بندي. نوعی بازی - سرگرمی چند نفری. یکی از بازیکنان گرگ می شود. چشم او را می بندند و چند دور او را دور خودش می گردانند، سپس او را رها می کنند. در این بازی روی چند نکته باید توافق شود: اول اینکه بازیکنان دیگر برای جلب توجه گرگ سر و صدا بکند یا در سکوت خود را از مسیر گرگ دور کنند. دوم اینکه گرگ پس از گرفتن یک نفر چشمش را باز کند یا پس از گرفتن همه بازیکنان.

## گوگ آتدی (Göy atdı)

یک نوع بازی دسته جمعی. همه در یکجا جمع می شوند و یک نفر در

میانه توپی را در دست گرفته و به آسمان پرتاب می کند. وقتی توپ به آسمان پرتاب شد، بقیه به اطراف می گردند. چون آن شخص توپ را گرفت فریاد می زند: «ایستوپ» و همه هرجا که باشد باید بی حرکت بمانند. آن فرد با توپ آنها را نشانه می گیرد و می زند. اگر توپ به یکی از آنها بخورد، بازی دوباره شروع می شود و او باید توپ را به آسمان پرتاب کند.

### گول گول (Gül gül)

گل یا پوچ. در این بازی نفرات موجود به دو دسته تقسیم می شوند اگر نفرات ۸ نفر باشند به دو دسته ۴ نفره تقسیم می شوند و اگر ۷ نفر باشند به دو دسته ۳ نفره تقسیم می شوند و نفر هفتم بعنوان «ریحان و مرضیه» به هر دو گروه صاحب بازی می پیوندد و در صورت باخت گروهی به گروه روبرو می پیوندد. در این بازی چیزی همچون لوبیا یا نخدود را به عنوان «گل» در نظر گرفته دسته ای آنرا در یک دست قایم می کند و برای رد گم کردن همه مشت هایشان را بسته و به جلو می آورند. حریفان با حدس و گمان گلی را که قایم گردیده، پیدا می نمایند برای اینکار چنین می گویند: «یا بوندادیر یا اوندا. حالوا چی دو کائیندا. ننه م دئدی آل بوندان»

هنگام تکرار این کلمات دست راست یکی از رقبا روی دستان بسته شده می چرخد. اگر توانست گل را پیدا کند در این صورت بازی از گروه اول به گروه دوم منتقل می شود در غیر اینصورت یک امتیاز به گروه اول داده شده و بازی بوسیله گروه اول ادامه می یابد.

## گردوکان (Girdəkan)

گردو بازی. این بازی به انحصار مختلف و قواعد گوناگون بازی انجام می‌شود. گاهی چند گردو را در یک ردیف و چسیده به هم می‌چینند و بازیکنان با گردوی مخصوص خود که معمولاً سنگیتر و خوشدست تر است و «ساققا» نام دارد، می‌کوشند تا آنها را بزنند. معمولاً گردو را روی زانو می‌روند و با انگشت وسط آن را پرتاب می‌کنند. یا اینکه «ابه» یا گودالی می‌کنند و مانند بازی گلف می‌کوشند تا گردو را به داخل آن بیندازند.

## گیزلن پانچ (Gizlən panc)

در این بازی تعداد نفراتی که گرد هم آمده اند ابتدا یک نفر را با قرعه انتخاب می‌نمایند تا چشمهاش را بسته و رو به دیوار بایستد و جایی را نگاه نکند. سپس بقیه نفرات آرام و بی سروصدا خود را در پشت بوته‌ها، درختان، چاله‌ها و نقاطی دور از دید فردی که چشمان خود را بسته، پنهان می‌سازند و فرد چشم بسته شروع به شمردن کرده و هر از گاهی صدا می‌زند: «گلمه» (بیایم) اگر فردی نتوانسته خود را قایم سازد فریاد می‌کند «گلمه» (نیا) و در غیر اینصورت نفر چشم بسته اگر صدایی نشنود مطمئن می‌شود که همه قایم شده اند به اطراف سرک کشیده و به محض رؤیت یکی از نفرات، سریعاً به جایگاه اصلی و اولیه برگشته و زودتر از آنان دستش را به دیوار می‌زنند و می‌گوید: «شوبه، سنی گوردون» اگر این فرد بتواند همه را پیدا کرده و قبل از آنها خود را به جایگاه پیش بینی شده

## ۱۰۰ / بازیهای محلی آذربایجان

برسانند نفرات دیگر برای انتخاب فردی بجای وی، مخفیانه برای خود اسمای را مشخص می کنند مثلاً برای تک تک افراد اسمای گلهای مختلف را گذاشته و به نزد این فرد می آیند و نام گلهای را می شمارند. اسم هر گلی را که این فرد انتخاب کند آن فرد بجای وی مجبور خواهد شد چشمان خود را بینند تا دیگران دوباره قایم شوند. چنانچه افراد هیچکدام پیدا نشده و یا قبل از آنکه دیده شوند خود را به جایگاه معین شده برسانند. فردی که چشم خود را بسته بود، مجبور است دوباره چشمانش را بینند تا دوباره بازی پیگیری شود. همچنین اگر موفق شود عده ای را پیدا نماید و عده ای قبل از دیده شدن، خود را به جایگاه تعیین شده برسانند. قرعه کشی جهت چشم بندی بین نفراتی انجام می پذیرد که دیده شده اند.

این بازی را با نامهای دیگری گیزلن تاپ، گیزلن باش، گیزلن باخ و شوبه شوبه نیز بازی می کنند.

## لاپاق (Lapagh)

نام دیگری برای بازی کباب کباب با این تفاوت که اگر بازیکنی روی دست بازیکن دیگر بزند، یک سیلی هم به او خواهد زد. (گویش روستای بیرقاوا بستان آباد).

## لوپوک قاج (lopük ghac)

نوعی بازی دسته جمعی. دایره ای می کشند و در خط کوچک وسط

## بازیهای محلی آذربایجان / ۱۰۱

آن چند سنگ گرد می گذارند و نفر اول پا روی خطی می گذارد که کمی با فاصله از خط دایره کشیده شده و «باش» نام دارد. از آنجا با «لوپوک» سنگ را می زند. هر بازیکن یک یا چند سنگ دارد. هر کس بیازد و موفق به زدن سنگها نشود، باید «زیتی» بدهد یعنی خم شود تا برندہ با زانویش به باسن او بزند و همه بخندند. نوع دیگری از این بازی با گردو انجام می شود که در این شکل گردوها را در یک خط می چینند و با گردو یا تیله آنها را نشانه گیری می کنند.

## (Los)

نام نوعی بازی دسته جمعی در تیکمه داش. در قاعده مانند بازی تووখان است ولی برای بیرون انداختن گردو دو نوع پرتاب از نزدیک وجود دارد: ۱- شاق وورماق. ۲- لوس قیرماق. در شاق وورماق باید قاپ را از فاصله دورتری بیندازند ولی در لوس قیرماق درست از نزدیک گردو چنان قاپ را به گردش می آورند که گردوها را از صحنه بیرون کند.

## لی لی حوضک (Li li hozək)

یک بازی دونفره که انواع مختلفی دارد. یکی از آنها انگشتان خود را باز می کند و دیگری انگشت شست او را گرفته و می گوید: «بیا بریم دزدی»

انگشت دوم می گوید: «کو نردان؟»

انگشت سوم: «نردانی بزرگتر از این؟»

## ۱۰۲ / بازیهای محلی آذربایجان

انگشت چهارم: «کار خوبی نیست، انصافی هست. مروتی هست.»  
انگشت پنجم در حالی که ادای چهارمی را در می آورد و مسخره اش  
می کند و می گوید: «برو برو»

### ماتیلوس (Matilus)

نوعی بازی سرگرمی گروهی در اورمیه. شکل و قواعد این بازی تقریباً شبیه هاقیشقاست. با این تفاوت که در این بازی بازیکنان همه در یک گروهند و یک نفر به قید قرعه گرگ می شود. بازیکنان همه در داخل محوطه قرار می گیرند و گرگ به صورت لی لی در محوطه آنها را دنبال می کند. بازیکنان حق ندارند از محوطه خارج شوند و گرگ هم حق ندارد پایش را زمین بگذارد یا مکث کند. اگر توانست کسی را بگیرد آن فرد گرگ می شود. قبل از شروع بازی، گرگ باید با گفتن «ماتیلوس» آماده باش بدهد و بازیکنان با تکرار واژه «لای بکوس» اعلام کنند.

### ماچالیشقا (Maçalışgħa)

نوعی بازی - سرگرمی در خیاو و ایلات شاهسون. قواعد و طرز اجرای این بازی کاملاً شبیه بازی هاقیشقاست.

### مازالق آتماق (Mazalagh atmagh)

مازالق در زبان ترکی به فرفه ای چوبی گفته می شود که به شکل

## بازیهای محلی آذربایجان / ۱۰۳

گلابی است. این فرفه را از چوب گردو می ساختند. معمولاً یک عدد پونز یا میخ بر نوک آن زده می شود تا بهتر بچرخد. بچه ها هر کدام مازالاقی در دست دارند. نخی محکم و غالباً پلاستیکی را با دقت به دور آن گردانده و سر آن را در دست می گیرند و سپس با مهارت مازالاق را بر زمین پرتاب کرده و در همان حال طناب را می کشند قدرت کشش نخ باعث می شود که مازالاق در زمین بچرخد. هر کدام که بتواند آن را بیشتر و بهتر به چرخش درآورد، برنده است.

## مازی (Mazi)

تیله بازی. در برخی جاهای آذربایجان به تیله شیشه ای، مازی گفته می شود.

## ماژر (Majer)

نام نوعی بازی با سکه در سراب. چند سکه بر زمین می گذارند و با سکه آنها را طوری می زند که سکه به آنها بخورد. اگر چنین شود می گویند: «ماژر». یعنی برنده و شخص زننده همه سکه ها را بر می دارد.

## ماللا میندی (Malla mindi)

نوعی بازی دسته جمعی در تیکمه داش. بازیکنان دو گروه می شوند.

## ۱۰۴ / بازیهای محلی آذربایجان

یک دایره می کشند. گروه اول داخل دایره می شوند یکی ملا دارند. گروه دوم از بیرون دایره سعی دارند بر پشت افراد گروه اول بپرند. ملا دور افرادش می گرد و مانع اینکار می شود. اگر افراد بیرونی بتوانند روی ملا سوار شوند، سوار دیگران هم خواهند شد. کسی که روی دیگری سوار شده اگر به زمین بیفتد باید به سرعت فرار کند و گرنه اولی او را می زند و اگر بزند می سوزد و جای گروهها عوض می شود.

### مبه ۵ قالدی (Məbədə ghaldı)

نام نوعی بازی دسته جمعی. چهارنفر داخل یک نفر جمع می شوند. چهارنفر دیگر آن طرفتر می ایستند و توب را به طرف آنان پرتاب می کنند. نفرات داخل دایره سعی می کنند توب را بزنند. اگر در حالی که داخل دایره اند توب را بزنند، برنده اند ولی اگر کسی پایش از دایره بیرون شود و توب را بزند، می سوزد و باید بیرون برود.

### مثقالا کسمک (Misghala kəsmək)

یک نوع سرگرمی برای بزرگسالان با هندوانه. دو نفر شرط می کنند که هندوانه را طوری از نصف ببرند که دو نیمة آن بیشتر از ۵ مثقال تفاوت نکند. هر کس که موفق شود هندوانه را صاحب می شود.

### مره کوچدوم (Mərə ködüm)

این بازی کودکانه نیز با گردو، فندق و یا سنگ انجام شده و آنها سعی

می کنند آنها را به طرف چاله ای پرتاب کنند.

### میندی میندی (Mindi mindi)

نام نوعی بازی دسته جمعی و معمولاً ۸ نفره. چهار نفر بر پشت چهار نفر دیگر سوار می شوند و بر گرد دایره ای بزرگ می ایستند و یک توب کوچک را به هم دیگر پرتاب میکنند. اگر توب به زمین افتاد، سوار شده ها بر زمین می پرند و فرار می کنند و دیگران باید توب را برداشته و با توب آنها را بزنند. اگر موفق به اینکار شوند، جای نفرات عوض می شود.

### نارداداناسی (Narsdanası)

یک نوع سرگرمی با انار. چند نفر قرار می گذارند طوری انار بخورند که حتی یک دانه از آن بر زمین نیفتند.

### ناققیشلی (Naghghişli)

نام دیگر برای بازی هاقیشقا. (گویش تبریز و بستان آباد). این بازی را قانیه نیز می گویند.

### نایناققیجی (Naynaghghiçii)

نام دیگر برای بازی هاقیشقا. (گویش تیکمه داش و قره چیمن).

### نومرت (Nümrət)

یک بازی دسته جمعی با نومرت. درپوش فلزی نوشابه را نومرت

## ۱۰۶ / بازیهای محلی آذربایجان

می گویند. داخل آن را با گل پر کرده و به زمین می سایند تا خشک و صاف شود و گل در داخل درپوش محکم شود. سپس دایره ای می کشند و بازیکنان به تعداد خود در خط میانی نومرت می گذارند. سپس به نوبت با نومرت خود از روی خط کناری با انگشتانشان، طوری نومرت را روی زمین می لغزانند تا به نومرتهای وسط دایره بخورد و آنها را از دایره بیرون بکند. اگر نومرت از دایره خارج شود و یا به حدی به خط دایره نزدیک شود، که بتوان فاصله میان آن و خط را با وجب پر کرد، آن فرد برنده است.

### وردنہ آغاج (vərdənə ağaç)

یک بازی دسته جمعی. چند نفر چوبی دارند. یک نفر آنها را جمع می کند و چوبها را به پشت سر خود پرتاب می کند. هر کس که چوبش نزدیکتر به آن شخص باشد، از روی چوبها می پرد، و بقیه نیز به همین ترتیب. چشمها یش نفر آخر را می بندند و چوبی در زمین فرو می کنند و اورا می زند تا زمانی که بتواند آن چوب را با چشم بسته پیدا کند. (روستای زرین قبا تیکمه داش).

### ها باخدی باخدی باخدی (Ha baxdī baxdī baxdī)

نوعی بازی - سرگرمی بزرگسالان در توفارقان. هر یک از بازیکنان دستمالی را به دهان می گیرند. به اشاره استاد بازی، همه چشمها را می بندند و سر خود را تکان می دهند و بنده را می خوانند. استاد مواظبت می کند تا مچ کسی که چشمانش را باز کرده است، بگیرد. اگر چنین کسی پیدا

## بازیهای محلی آذربایجان / ۱۰۷

شد، استاد نام او را می برد و دیگران چشمها را باز می کنند و خطاکار را می گیرند و صورتش را یا با زغال سیاه می کنند یا با آرد سفید و او را می زنند تا دیگران بخندند.

## هاچا مینمک (Haça minmek)

راه رفتن با پاهای چوبی. دو چوب بلند که دارای شاخه ای در پایین هستند، مورد سواری بچه ها قرار می گیرند.

## هاقیشقا (Haghışqua)

یک نوع بازی دسته جمعی در خوی. بازیکنان در دو گروه جمع می شوند. محدوده ای تعیین می کنند و یکی از گروهها در داخل و دیگری در بیرون قرار می گیرند. یکی از نفرات بیرونی، لی لی کنان نفرات داخل محدوده را دنبال می کند و می کوشد تا آنها را بزند. به هر کدام از بازیکنان که دست بزند، او باید از بازی خارج شود. چون این بازیکن خسته شد، یکی از هم تیمی هایش ادادمه می دهد. اگر همه افراد داخل محدوده زده شوند، جای تیمها عوض می شود. اگر یک نفر در داخل باقی بماند و همه افراد بیرونی بیفتد، در مرحله بعدی باز تیمها در جای اول خود خواهند بود.

## هفت سنگ (Həft səng)

## ۱۰۸ / بازیهای محلی آذربایجان

در این بازی تعداد هفت سنگ را روی هم می گذارند و بعد نفرات موجود به دو گروه تقسیم می گردند که بعد از قرعه کشی بازی را شروع می کنند. شروع کنندگان بازی (گروه اول) نوبت به نوبت توبی را به دست گرفته و به طرف سنگها می اندازنند. نشانه گیری باید بادقت هر چه تمامتر انجام یابد. اگر توب به سنگها برخورد کند باید گروه اول پراکنده شوند تا گروه دوم که رقیب هستند بوسیله توب آنها را نزنند. خطای در زدن افراد بوسیله توب باعث می شود فرصت مناسب برای چیدن سنگها روی یکدیگر فراهم آید. بر عکس اگر گروه دوم با زرنگی تمام افراد گروه اول را توانستند بزنند و آنها تا آن لحظه توانستند سنگها را روی هم بچینند، بازنده شده و جای خود را به گروه دوم می دهند.

### هفديير آغاجى (Həfdir ağacı)

نامی دیگر برای بازی وردنه آغاج.

### هول ايشلتىمك (Hol işlətmək)

نامی دیگر برای بازی مازالاق. (گویش خوی).

### هول اويناماق (Hol aynamagh)

نوعی بازی با فرفه چوبی در خوی. گودالی به نام «مات» در زمین می کنند و فرفه ای در آن می نهند و در دو متری آن خطی روی زمین می کشنند. بازیکنان به نوبت باید فرفه خود را به کار انداخته، آن را توی مشت

## بازیهای محلی آذربایجان / ۱۰۹

گرفته و بطرف فرفه‌ای که در مات قرار دارد ببرند. گاهی ممکن است که فرفه به هنگام آغاز به چرخش روی فرفه داخل مات بیفتد و برند شود. در این حالت بازیکنان با نوک آهنه فرفه خود ضرباتی به فرفه داخل گودال می‌زنند و اگر آن فرفه از چوب سرو باشد، می‌شکند.

## هینقلیج (Hingilic)

نوعی بازی دسته جمعی. بازیکنان دو گروه می‌شوند. یک مکان امن را با دایره‌ای را با فاصله مشخص می‌کنند. نفرات گروه که معمولاً ۴ نفره هستند، روبروی هم قرار می‌گیرند. یکی از افراد گروه با گذاشتن پاشنه پا جلوی پنجه پای دیگری، بدون اینکه پاهای از هم فاصله یابند. یک گام بسوی حریف روبرویی بر می‌دارد. سپس نفر روبرویی نیز به همین ترتیب جلو می‌آید. وقتی آنها به هم می‌رسند کسی که پایش روی پای حریف بیفتد، نام یکی از نفرات گروه مقابل را می‌برد. بازیکنی که نامش گفته شده، باید به سرعت بسوی مکان امن بدود. چهارنفر گروه اول می‌دوند تا او را بگیرد و مانع رسیدن او به مکان امن شوند. سه نفر همگروه وی نیز می‌خواهند تا مانع گرفتن او شوند. بدین ترتیب اگر او به مکان امن برسد، یک امتیاز برای تیمش کسب می‌کند و گرنه می‌سوزد و از گروه خارج می‌شود و بازی دوباره ادامه می‌یابد.

## یاتار قالخار (Yatar ghalxar)

## ۱۱۰ / بازیهای محلی آذربایجان

نامی دیگر برای بازی اله کلنگ. (روستای سیدبیگ بستان آباد).

### یالتان قالتان (Yaltan ghaltan)

نامی دیگر برای بازی اله کلنگ. (روستای زگلوچه بستان آباد).

### یئر پیشیتچی (Yer pişitçi)

نام نوعی بازی دسته جمعی. یک گروه می نشینند و گروه دیگر بر گرد آنها می گردند. یک «ابه» نیز در فاصله ای معین در نظر می گیرند. گروهی که سرپاس است سعی دارد با دست بر سر نفرات نشسته بزنند اگر یکی از آنها موفق به اینکار شود، می دود تا خود را به ابه برساند. چون او به طرف ابه دوید یکی از افراد گروه نشسته سعی دارد او را بگیرد. نفرات گروه ایستاده او را می زنند اگر نفر جلویی به ابه برسد یک امتیاز به تیم او تعلق می یابد. نفرات نشسته نیز سعی دارند با پاهایشان پاهای نفرات ایستاده را بزنند و امتیاز بگیرند. نام این بازی در خیاو و ایلات شاهسون «پیشدبیلی» است.

### یئردن اوجا (Yerdən uca)

یک نوع بازی چند نفره. یک نفر به عنوان گرگ انتخاب می شود و بقیه را دنبال می کند. بازیکنان باید دویده و یک پای خود را در جایی بلندتر از زمین مثل پله، گلدان، جعبه و نردهان و ... قرار دهند. پای هر که از زمین جدا باشد در امان است و گرگ نمی تواند او را بگیرد. البته ایستادن به آن حال هم مدت معینی دارد و باید بازیکنان مرتبآ بدودند و تغییر

## بازیهای محلی آذربایجان / ۱۱۱

جا بدھند. هر که را گرگ در حال دویدن بگیرد، او گرگ خواهد شد و گرگ قبلی به جای او بازی خواهد کرد.

### یئرده قalan قورد (Yerdə ghalan ghurd)

یک نوع بازی دسته جمعی. همه بازیکنان در یکجا جمع می شوند و یکباره همه باهم می گویند «یئرده قalan قورد» (هر کس جا بماند گرگ است) و با گفتن این جمله بسرعت خود را به یک بلندی یا جایی که از زمین بلند است مانند پله می رسانند. هر کس که موفق نشود و جا بماند «گرگ» است. دیگر بازیکنان با دقت از جای بلند پایین می آیند و رو به او کرده می گویند مثلاً «حسن قورد، گل منی اود» (حسن گرگ، بیا مرا بخور). گرگ سعی می کند آنها را بزند و آنها باید خود را به جای بلند برسانند و این بازی به همین ترتیب ادامه می یابد تا اینکه گرگ بتواند یکی از آنان را بزند. این بازی را با نام «بالا بلندی» نیز می شناسند.

### یوز پلنگ (Yuz pələng)

نوعی بازی - سرگرمی در خیاو. بازیکنان از میان خود یک استاد انتخاب می کنند. استاد روی هر یک از بازیکنان اسمی می گذارد، مثلاً اسم حیوانات. استاد سعی می کند با توجه به شbahتهای ظاهری یا رفتاری بچه ها اسمهایی را انتخاب کند. در مرحله بعد دایره ای به شعاع یکمتر در وسط زمین بازی رسم می شود و توب در داخل آن قرار می گیرد. همه بازیکنان در حالی که یک پایشان روی خط دایره است، گوش به فرمان استاد می ایستند. به محض آنکه استاد نام یکی از بازیکنان را برد، بازیکن باید

## ۱۱۲ / بازیهای محلی آذربایجان

توب را بردارد و بدون مکث، یکی از بازیکنان دیگر را در حال فرار هستند، بنزند. اگر توب را بیش از حد تعیین شده نگه دارد، خود می سوزد و اگر موفق شود کسی را بنزند، فردی که توب به او اصابت کرده از دور خارج می شود. در آخرین مرحله، فقط، دو بازیکن باقی می مانند که هر دو می خواهند حریف را از میدان به در کنند.

برندهٔ نهایی بازی کسی است که باقی می ماند. استاد طوری اسمامی را صدا می کند که فرد نتواند پیش بینی کند. مثلاً ممکن است دو بار پشت سر هم نام یک نفر را صدا کند یا به جای صدا کردن اسمی که بر او گذاشته شده، اسم اصلی او را صدا کند. در این صورت فرد باید عکس العمل نشان بدهد و اگر حرکتی از خود نشان بدهد می سوزد و از بازی کنار می رود.

### يولداش آپاردى (Yoldaş apardï)

یک بازی دسته جمعی. بازیکنان دو گروه می شوند. یک گروه در جلو و گروه دوم در پس آنها می روند. گروه جلویی دستهایشان را طوری در طرفین صورت خود می گذارند که پشت سر را نبینند. یکی از افراد گروه عقبی دست بر پشت یک نفر از افراد گروه جلویی می گذارد و به جلو می راند. دوست او که می بیند از نفر جلویی می پرسد: «يولداش سنی کیم آپاریر؟» (دوست من، چه کسی تو را می برد؟) او نام یک نفر را می گوید. اگر درست باشد هیچ و گرنه هر کس را که نام او به اشتباه گفته شده، بر کول نفر اول سوار می شود و تا مکان آغاز بازی سواری خواهد گرفت. این بازی را در گرمی معان، «جوچه گوزو» می نامند.

### يولداش گون هاردان چیخدى (Yoldaş gün hardan çıxdi)

## بازیهای محلی آذربایجان / ۱۱۳

نوعی بازی - سرگرمی در ایلخیچی. بازیکنان به دو دسته تقسیم می‌شوند و هریک برای خود یک استاد انتخاب می‌کنند. به حکم قرعه، افراد یکی از دسته‌ها، چشم بازیکنان دسته دیگر امی‌بندند و خود پنهان می‌شوند. بازیکنان دسته‌ای که چشمانشان را بسته‌اند، به دنبال افراد دسته پنهان شده می‌گردند و افراد آن دسته را به نام می‌خوانند. فردی که نامش برده می‌شود، وظیفه دارد با صدا پاسخ بدهد. هر کس توانست یکی از افراد پنهان شده را پیدا کند، سوار او می‌شود و تا محل شروع بازی کولی می‌گیرد.

## يولداشيم باغ يئميشى (Yoldaşım bağ yemişi)

نوعی بازی - سرگرمی در مرند. لازمه انجام این بازی، داشتن اطلاعات کافی در زمینه شناخت میوه‌های گوناگون، طعم و اندازه و رنگ و ویژگیهای دیگر این میوه‌هاست. بازیکنان به دو گروه مساوی تقسیم می‌شوند و هریک برای خود استادی انتخاب می‌کنند. استادان دور از چشم بازیکنان میوه‌ای را انتخاب می‌کند. یکی از استادها ابتدا، اندازه میوه را با دست خود برای گروه مقابل مجسم می‌کند. اگر حدس آنها درست بود که نوبت به استاد دیگر می‌رسد تا میوه‌ای را مجسم کند. اگر حدس درست نبود، استاد از دسته خود می‌پرسد. در هر بار پرسش، استاد می‌گوید: «يولداشيم باغ يئميشى» هرگاه جواب درست بدست نیامد، استاد از لحظه رنگ و طعم بازیکنان را راهنمایی می‌کند. هر دسته‌ای که برنده شود از دسته دیگر کولی می‌گیرد.

## يومورتا دوگوشدورمك (Yumurta döyüştürmek)

## ۱۱۴ / بازیهای محلی آذربایجان

این بازی بیشتر در هنگام عید نوروز انجام می‌شود. خانواده‌ها در قدیم برای عیدی کودکان، تخم مرغ را با پوست پیاز و یا آب کاه رنگ می‌کردند و آنها را بصورت آب پز در زمان دید و بازدید عید، به بچه‌ها می‌دادند. بچه‌ها نیز با این تخم مرغها بازی می‌کردند. با تخم مرغ خود به سر تخم مرغ دیگری می‌زنند. تخم مرغ هر کدام که بشکند، نصیب دیگری خواهد شد. البته کسانی نیز کلک می‌زنند یعنی یا با مهارت تمام از چوب تخم مرغ درست می‌کنند و یا درون تخم مرغ را با سرنگ خالی کرده و بجای آن قیر یا گچ پر می‌کنند.

### یوموروق (Yumurugh)

نام دیگری برای بازی هینقلیج. با این تفاوت که در بازی هینقلیج فقط بازیکنان همدیگر را می‌گیرند ولی در این بازی اگر نفر دونده را بگیرند، با مشت او را می‌زنند. (گویش روستای بیرقاو استان آباد).

### یواریق (Yuvarığ)

نوعی بازی - سرگرمی در توفارقان. یکی از بازیکنان کف یکی از دستهای خود را باز می‌کند. بازیکن دیگر با انگشت نشان، کف دست او را غلغلک می‌دهد و شعرهایی را می‌خواند. همراه با شعر، یکی یکی انگشتان دست بازیکن دیگر را می‌گیرد و سعی می‌کند، حرکاتی را که در شعر گفته شده، با دست دیگر بر روی صورت بازیکن اول نمایش بدهد (مثل بریدن، پختن، شستن، خوردن و ...)

واژه نامه:

**آرالیق پیشیگی**- ص. مر (Aralığh pişiyi) اصطلاحی در بازی کودکانه. به کودکی اطلاق می شود که به هیچیک از دو طرف بازی متعلق نیست و در وسط می گردد.

**آردی**- ص. (Ardi) نفر دوم در بازی.

**آردی دالیسی**- ص. (Ardi dalisi) نفر سوم در بازی.

**آشیغی آلچی دورماق**- اص. (Aşığı alçî durmagh) شانس آوردن.

**آشیغی توخان اوتورماق**- اص. (Aşığı toxan oturmagh) شانس آوردن.

**آشیق آقان**- ا. فا. (Aşıgh atan) قاب باز. قاب انداز.

**آشیق آتماق**- مص. (Aşıgh atmagh) قاب بازی کردن. شرط بندی کردن.

**آشیق**- ا. (Aşıgh) قاب. قرقره. بجول. تخته کوچک که نخ بر دور آن می بندند. پوسیده. عمیق. سوراخ. استخوان چهار گوش در سردست چهارپایان. در آذربایجان معمولاً آن را صیقل داده و با آن بازی می کنند.

**آشیق اویناماق**- مص. (Aşıgh oynamagh) قاب بازی.

**آشیق اوینایان**- ا. فا. (Aşıgh oynayan) قاب باز.

**آغزی شیره یه باتماق**- اص. (Ağzı şirəyə batmagh) خواهان تکرار یک بازی یا معامله شدن که در آن سود خوبی بدست آمده است.

**آلچی**- ا. (Alçii) طرف بوک بجول. روی گود بجول.

**آیریلیق قویماق**- مص. (Ayrılığh ghoymagh) پارتی بازی کردن.

## ۱۱۶ / بازیهای محلی آذربایجان

بعیض قائل شدن.

**ابه-ا.** (Əbə) گودالی که در بازی کودکانه فندق و گردو را در آن می اندازند.

گودالی است که در بازی چیلینگ آغاج ، چیل را از آنجا پرتاب می کنند.

**اودماق**- مص. (Udmagh) بردن در بازی و مسابقه. برنده شدن.

**اودواجو**- ص. (Uducu) برنده.

**اودوازان**- ص. (Uduzan) بازنده. باخته.

**اودوازدورماق**- مص. سب. (Uduzdurmagh) سبب باختن کسی شدن.

**اودوازماق**- مص. (Uduzmagh) باختن.

**اودوازمايان**- ص. (Uduzmayan) بدون باخت.

**اودوازو لماق**- مص. مف. (Uduzulmagh) باخته شدن. بازنده شدن. از دست

رفتن.

**اودواش**- ا. مص. (Uduş) فایده. سود. برد. جایزه.

**اودواشسوز**- ص. (Uduşsuz) بدون برد. بدون برد و باخت.

**اودواشلو**- ص. (Uduşlu) جایزه دار. فایده دار. سودآور.

**اودولماق**- مص. مف. (Udulmagh) باختن. بازنده شدن.

**اودولما**- مص. مرخ. (Udulma) باخت.

**اوستا** - ص. [ف. استاد] (Usta) عاقل. با درایت. ادیب.

**ولاماق**- مص. (Ulamagh) عووع کردن. زوزه کشیدن. ناله و زاری کردن.

به زاری گریستن.

**بوک**- ا. (Bök) حالت رو افتادن پشت قاپ یا آشیق. حالت مخالف جیک.

**بولوش**- ا. (Bölüş) شیوه و طرز تقسیم. حصه. سهم.

**بولوشدورمک**- مص. (Bölüşdürmək) تقسیم کردن. بخش کردن. تکه

## بازیهای محلی آذربایجان / ۱۱۷

تکه کردن. توزیع کردن. بوسیله کسی قسمت کردن.

**بولوشدورمه**-ا.مص. (Bölüşdürme) تفکیک.

**بولوشدوروجو**-ا.ص. (Bölüşdürücü) تقسیم کننده.

**بولوشدورولمک**-مص.مف. (Bölüşdürülmek) تقسیم شدن. تسهیم شدن.

**بولوشمز**-ص. (Bölüşməz) غیرقابل تقسیم. بخش ناپذیر.

**بولوشمک**-مص. (Bölüşmək) تقسیم شدن. بین خود تقسیم کردن. سهم

هریک را تعین کردن.

**بولوک**-ا. (Bölk) قسمت. حصه. قطعه. بخش. جزء. دسته. گروهان.

**بولوک بولوک**-ق. (Bölk Bölk) قطعه به قطعه. تکه تکه.

**بولوم**-ا. (Bölüm) یکی از قسمتها. بخش فصل. دایره، دپارتمان. قاج.

**بولونمک**-مص. (Bölünmek) تقسیم شدن. قسمت شدن. تفکیک شدن.

جدا شدن. قابل قسمت بودن (حساب).

**پئنج**-ص. (Penc) نفر اول در بازی.

**پانچ**-ص. (Panc) نفر اول در بازی.

**پوشک**-ا. (Püşk) قرعه.

**پوشک آتماق**-مص. (Püşk atmagh) قرعه کشیدن.

**پوهله مک**-مص. (pöhləmək) رو چوبی زدن. به تعداد زیر چوبی کوچک

یا پل با چوب بزرگ زدن.

**پیت**-ا. (Pit) چوب بزرگ به اندازه چوبدستی.

**پیتچه**-ا. (Pitçə) چوب کوچکی به اندازه ۱۵ سانتی متر.

**پیل**-ا. (Pil) چوبی کوچک به اندازه تقریباً ۱۰ سانتی متر که در بازی پل دسته

یا بازیهای شیوه آن کاربرد دارد. معمولاً دو سر آن را می تراشند.

## ۱۱۸ / بازیهای محلی آذربایجان

- تawa-ا. (Tava) حالتی از افتادن قاب که تو و خان نیز نامیده می شود.
- تکر-ا. (Təkər) چرخ. لاستیک (چرخ).
- تovoخان-ا. (Tovxan) طرف جیک بجول. طرف بر جسته بجول.
- جینغال-ص. (Cīgal) جر زن.
- جینغاللیق-ا. مص. (Cīgallīgh) جرزنی.
- جیک-ا. (Cik) حالت مخالف بوک.
- چیله مک-مص. (Çiləmək) نگا. پوهله مک.
- خیران-ا. (Xiran) نفر آخر در بازی. (گویش مرند)
- دسته-ا. (Dəstə) به چوبیدستی گفته می شود که در بازی پیل دسته یا نظایر آن پیل را پرتاب می کنند.
- دو گوش دور مک- (döyüşdürmək) بهم زدن. باعث درگیری دو نفر شدن.
- ساققا-ا. (Saghgha) نام قابی که سنگیتر و بزرگتر است و معمولاً با آن بازی می کنند.
- شار-ا. [روسی]. (Şar) تیله فلزی.
- قاریش-ا. (Gharış) وجب.
- قورد-ا. (Ghurd) گرگ. در بازی به کسی گفته می شود که باخته است.
- قونا-ا. (Ghona) چاله ای کوچک که در بازی پیل دسته می کنند.
- قیسناقلى-ص. (Għisnaghli) در بازی قاپ به بچه ای گفته می شود که در طول بازی هرگز تعداد قاپهاش کم نمی شود.
- قیغان-ص. (Għiġan) نفر آخر در بازی.
- قیققى-ص. (Għiġħgħi) نفر آخر در بازی. (گویش میانه)
- قیلان-ص. (Għilan) نفر آخر در بازی. (گویش روستاهای قره بولاق و آغجا

کویول تیکمه داش)

**کوفله** - (Küfə) سوراخ و منفذی است که برای رد و بدل هوا به داخل تنور از آن استفاده می کنند.

**گیردکان**-ا. (Girdəkan) گردو.

**مازالاق**-ا. (Mazalagh) فرفه چوبی.  
**مازی**-ا. (Mazii) تیله.

**مالا**-ا. (Malla) سر دسته. کسی که در بازیهای مختلف سرگروه است.  
**نومرت**-ا. (Nümrət) به درپوش فلزی نوشابه گفته می شود که آن را با گل پر کرده و آنقدر به زمین کشیده اند که صاف و سنگین شده است.

**هول**-ا. (Hol) همان مازالاق در گویش خوی.

**هول ایشلمک**-اص. (Hol işlətmək) به چرخش در آوردن فرفه چوبی در زمین.

**یانماق**-مص. (Yanmagh) سوختن. باختن. از گردونه بازی خارج شدن.

## ۱۲۰ / بازیهای محلی آذربایجان

- ۱- آتا بابالار دئیبلر. (امثال و حکم و اصطلاحات در زبان ترکی آذربایجانی). ع. ظفرخواه. انتشارات یاران. تبریز. ۱۳۷۰.
  - ۲- ائل بیلیگی ٿرو تمیمیز. علی ظفرخواه. انتشارات یاران. ۱۳۸۳.
  - ۳- ارک سوزلو گو. اسماعیل جعفر زاده. انتشارات احرار. تبریز. ۱۳۸۵.
  - ۴- راهنمای بازیهای ایران. ثریا قزل ایاغ. با همکاری شهلا افتخاری. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران. ۱۳۷۰.
  - ۵- فرهنگ آذربایجانی - فارسی. بهزاد بهزادی. انتشارات فرهنگ معاصر. تهران. ۱۳۸۲.
  - ۶- فولکلور خزانه سی. ع. ظفرخواه. انتشارات یاران. ۱۳۷۹.
  - ۷- قواعد زبان ترکی. میرزا بابا طبیب آشتیانی. تصحیح دکتر حسین محمدزاده صدیق. نشر پیتار. ۱۳۸۸. کرج.
- مجموعه بازهای محلی رایج در تبریز. زهره وفایی. انتشارات زینب. تبریز. چاپ سوم. ۱۳۸۵.
- ۸- مجله آذری ائل دیلی و ادبیاتی. شماره های مختلف.
  - ۹- در تنظیم این مجموعه همچنین از نوشته ها و فرمایشات آقایان وحید کاظم زاده قاضی جهانی، مرتضی جباری شیرین بولاق، حسین یوسفیان، عزیز حاتمی سعیدآباد، مسلم دانیالی توق، رحیم اکبری عین الدین، حسین سیامی تیکمه داش، علی ستاری آلمالو، محمد منیری تیکمه داش و همچنین دانش آموزانم از روستاهای مختلف بهره فراوان بردم.